هفته نامه سیاسی،
فرهنگی ،اقتصادی
ورزشی

نسیم جنوب

هشت صفحه، ۴۰ تومان

پیش شماره دوازدهم - دوشنبه ۴ خردادماه ۱۳۷۷

سلامی و کلامی...

۲ خرداد زیباترین تصمیم تاریخی ملت

استاندار بوشهر در جمع جوانان: **من در اینجا بخشنامه شفاهی می‌دهم و فردا مکتوب می‌کنم که هیچکس در استان بوشهر حق ندارد چادر را الزامی کند**

آقای معاون عمرانی از شما انتظار نمی‌رود!

دوم خرداد کشف یک غفلت مهم تاریخی

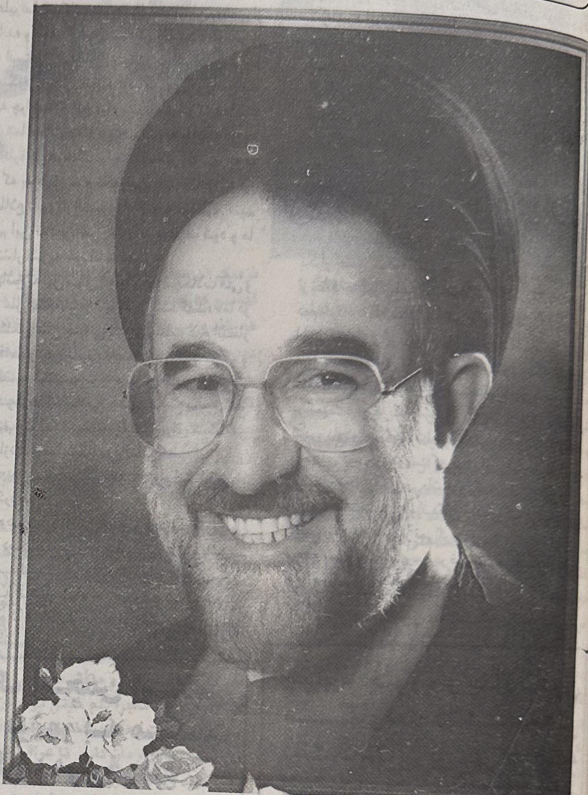
اطلاعیه مجمع پیروان خط امام (ره) بوشهر به مناسبت فرا رسیدن حماسه دوم خرداد

علی دشتی، نوحه‌خوان قدیمی بوشهر:

زمانی‌که من شروع کردم حتی بخشو نیز نمی‌خواند.

آقای استاندار، نیروهای بومی را فراموش نکنید.

توقف انتشار هفته‌نامه پیام جنوب؟



سردار کارگر، فرمانده ارشد سپاه استان درمصاحبه بانسیم جنوب:

من بر دست قلمزنی که با نیت الهی بنویسد، بوسه می‌زنم

«مسابقه بزرگ یاد یار»

اداره کل فرهنگ و ارشاد استان بوشهر بمناسبت نهمین سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام (ره) مسابقه «یاد یار» را برگزار می‌نماید. از علاقمندان دعوت می‌شود که اشعار، مقالات و خاطرات خود را تحت عناوین ذیل حداکثر تا تاریخ ۷۷/۳/۱۰ به این اداره کل ارسال نمایند. به مقاله های ارسالی در هر بخش جوایز ارزنده‌ای اعطاء خواهد شد. موضوعات: ۱ - مبارزات حضرت امام (ره) ۲ - امام (ره) و جوانان ۳ - امام (ره) و کودکان ۴ - موضوع آزاد در ارتباط با رحلت امام (ره)

انجمن قرآن و عترت

فرهنگسرای شهید صادق گنجی وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در تابستان ۷۷ برگزار می‌نماید: **کلاسهای آموزش قرآن کریم** در سطوح مختلف روخوانی، روانخوانی، تجوید سطح یک، تواشیح، همخوانی، ترجمه ساده و مفاهیم، عربی

□ مهلت ثبت نام: از تاریخ ۷۷/۳/۲ لغایت ۷۷/۳/۲۸ همه روزه صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و بعدازظهر از ساعت ۱۷ الی ۲۰ (خواهران روزهای زوج و برادران روزهای فرد)
□ مکان ثبت نام: میدان امام (ره)، فرهنگسرای شهید صادق گنجی، انجمن قرآن و عترت - تلفن ۳۶۲۰۴

قابل توجه هنرمندان و هنردوستان عزیز

اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در رشته‌های زیر جهت کلاسهای تابستانی ثبت نام می‌کند:

• انجمن سینمای جوان • انجمن شعر و قصه •انجمن نمایش •انجمن موسیقی • انجمن هنرهای تجسمی • انجمن خوشنویسان

شروع کلاسها: اول تیرماه

علاقمندان می‌توانند همه روزه صبح و عصر به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مراجعه کنند.

اطلاعیه پذیرش دانش آموز در دبیرستان دانشگاه خلیج فارس بوشهر

بدینوسیله به آگاهی داوطلبان می‌رساند که دبیرستان دانشگاه خلیج فارس بوشهر در سال تحصیلی ۷۸-۷۷ از بین فارغ‌التحصیلان کلاس سوم راهنمائی پسرانه در سراسر استان به شیوه نظام جدید و در دو شاخه ریاضی فیزیک و تجربی و از طریق آزمون ورودی دانش‌آموز می‌پذیرد. کلیه دانش آموزان واجدالشرایط جهت نام نویسی از تاریخ نشر این آگهی تا روز ۷۷/۳/۲۱ به واحد امتحانات یا آموزش متوسطه ادارات آموزش و پرورش محل تحصیل خود در سطح استان مراجعه نمایند. **۱ - شرایط پذیرش**: الف - بومی استان باشد / ب - حداقل معدل ۱۶ / ج - قبولی در آزمون ورودی

۲ - مدارک مورد نیاز: فتوکپی شناسنامه - ۲ قطعه عکس ۴×۳، رسید بانکی مبنی بر واریز مبلغ ۶ هزار ریال به حساب جاری ۱۰۷۷ صندوق قرض‌الحسنه حضرت مهدی (عج)، واقع در خیابان لیان - بنام دبیرستان دانشگاه خلیج فارس بوشهر

۳ - تاریخ و محل برگزاری آزمون: آزمون توسط سازمان سنجش و آموزش کشور برگزار می‌شود. تاریخ و محل برگزاری به اطلاع عموم خواهد رسید.

۴ - مواد امتحانی: بر اساس کتابهای دوره راهنمایی به شرح زیر می‌باشد:
ادبیات فارسی، بینش اسلامی، عربی، ریاضی، علوم و زبان انگلیسی.

توجه: تحصیل در این دبیرستان بجز دانش آموزان شهرستان بوشهر به صورت شبانه‌روزی می‌باشد.

معلمین موفق و منتخب پایه اول و پنجم مدارس ابتدائی شهرستان بوشهر که در جشنواره معلمین موفق استانی، از بین آموزگاران ۱۵ منطقه آموزش و پرورش استان بوشهر، رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص دادند
«اداره آموزش و پرورش شهرستان بوشهر»



خواهر فرحناز داوسی آموزگار موفق و منتخب / پایه پنجم دبستان معینی / رتبه اول استان بوشهر	خواهر ناهید آتشک اهر آموزگار موفق و منتخب/ پایه اول /دبستان دانشوران / رتبه اول استان بوشهر	خواهر معصومه توانا چوکانی آموزگار موفق و منتخب / پایه پنجم / دبستان فاتح چهر / رتبه دوم استان بوشهر

آگهی مزایده فروش

اداره کل شیلات استان بوشهر در نظر دارد تعدادی خودرو سبک و سنگین اسقاطی خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. از متقاضیان محترم، درخواست می‌شود جهت بازدید و دریافت اوراق مزایده حداکثر تا تاریخ ۱۰ / ۳ / ۷۷ به امور مالی این اداره کل مراجعه فرمایند.

اداره کل شیلات استان بوشهر

سلامی و کلامی....

یونس قیصی‌زاده

۲ خرداد زیباترین تصمیم تاریخی ملت

بی‌شک یکی از آگاهانه‌ترین و زیباترین تصمیمات تاریخی ملت ایران، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم و برگزیدن سیدمحمد خاتمی بعنوان رئیس جمهور است. خود جوش بودن این حرکت مردمی و تصمیم تاریخی این ملت فهیم و هوشیار بار دیگر بسیاری را تعجب زده نمود.

حماسه دوم خرداد از سویی حالت جنبشی و اعتراضی داشت و از طرف دیگر حرکتی مسالمت آمیز بود. در این انتخابات در یک طرف کسانی پای به میدان گذاشته بودند که سالها مورد بی‌مهری قرار گرفته و به حاشیه رانده شده بودند، مردمی رنجدیده که به واسطه سیاستهای تعدیل اقتصادی به مشکل دچار شده، وضعیت معیشتی آنان به هم ریخته بود بطور هماهنگ از اندیشمندی حمایت نمودند که از وزارت به کنار گذاشته شده و اندیشه و توانش را حبس نموده بودند، در این میان نخبگان و روشنفکرانی نیز که سالها به واسطه‌های گوناگون نادیده گرفته شده و یا سیل تهمتها و توهینها خانه نشین شده بودند به کمک مردم آمدند و تلاقی این سه با هم حماسه‌ای را آفرید که جهانیان را خیره نمود. اما این اعتراض مسالمت‌آمیز بود، مردم فهیم و آگاه بدور از تخریب و کشمکش و در آرامش نشان دادندکه خواسته‌هایشان را می‌خواهند از طریق قانون به دست آورند و بجای گرفتن سلاح برای بدست آوردن خواسته‌شان، آرای خود را سلاح نمودند و با سکوت فاتح شدند.

در دوم خرداد شاخص توسعه سیاسی کشور رشد فوق‌العاده‌ای داشت و عمده تفاوتی که با وضعیت مشابه قبل داشت در کشانده شدن قشر عظیمی از نیروهای جوان که قبلاً در خارج از چارچوب این مشارکت قرار داشته و در آن شرکت نمی‌نمودند بود. مشارکت قشر انبوهی از جوانان و زنان در انتخابات ریاست جمهوری بار دیگر نقش تعیین کننده آنها را در عرصه‌های سیاسی به اثبات رساند، نقشی که تا قبل از آن بطور جدی به آن پرداخته نشده بود. از طرفی هفتمین انتخابات ریاست جمهوری عرصه‌ای جدی برای رقابت و مشارکت حقیقی گروهها و جناحهای مختلف فکری و سیاسی در عرصه ملی بود. تا قبل از آن عرصه برای رقابت و مشارکت جدی گروههای فکری و سیاسی در سطح ملی مهیا نشده بود و نتایج انتخابات ملی نیز از قبل قابل تشخیص بود. انتخابات دوم خرداد این قاعده را بر هم زد و برای اولین بار دو رقیب جدی و مصمم رو در روی یکدیگر به رقابت سیاسی پرداختند.

اما می‌توان انتخاب خاتمی را یک انتخاب تمام عیار دانست. گرچه بسیاری از نیروها و جناحها و گروهها برای انتخاب خاتمی تلاش نمودند ولی حقیقتاً این خود جاذبه و شخصیت وی بود که اقبال عمومی مردم را به همراه داشت و باعث گردید تا مردم و خصوصاً جوانان به سوی او گرایش یابند، شعارهای تازه و اصولی او در هنگامی که همه چشم انتظار یک تغییر بودند، باعث گردید تا خاتمی به عنوان یک شخصیت ممتاز و اندیشمند در نزد افکار عمومی جلوه کند، بعبارتی ایشان به دنبال پست ریاست جمهوری نرفتند بلکه این پست ریاست جمهوری بود که برازنده ایشان شد و شخصیتی چون خاتمی را جستجو نمود. البته در رأی بالای خاتمی نمی‌توان از نقش رقیبان ایشان نیز چشم پوشید. گروه اصلی رقیب خاتمی قیم‌مابانه به تعیین تکلیف برای مردم پرداختند و بهای لازم را به انتخاب و گزینش مردم نداده وآنان را به حساب نیاوردند. برخورد تخریبی گروههای رقیب خاتمی بر این جو دامن زد.

در ایام انتخابات هر چقدر که از ناحیه خاتمی در رقیبان احساس خطر بیشتری می‌شد، برخوردهای تخریبی نیز بیشتر می‌گشت.

حضور پرشکوه ۳۰ میلیونی مردم در انتخابات دوم خرداد ثابت کرد که مردم ایران جلوتر از توسعه اقتصادی به توسعه سیاسی وبلوغ فرهنگی رسیده‌اند واگر در موقعیتهای مشابه در آینده چنین "پدیده‌ای" تکرار نگردد، نمی‌بایست مردم کشورمان را به رشد نیافتگی سیاسی متهم نمود، بلکه به این معنا است که مسئولین کشور نتوانسته‌اند زمینه بروز و نمایش این رشد یافتگی سیاسی را فراهم سازند.

برگزاری «روز بوشهر» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب

بوشهر خبرنگار نسیم جنوب - همزمان با برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب در تهران روز شنبه دوم خرداد ماه سال جاری از ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح مراسمی در یکی از سالنهای نمایشگاه بین‌المللی این نمایشگاه بنام «روز بوشهر» به ابتکار وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی و با همکاری اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی استان بوشهر برگزار شد. در این مراسم ابتدا ابطحی مدیر کل ارشاد استان در سخنان کوتاهی گزارشی از وضعیت چاپ و نشر مطبوعات در استان بوشهر ارائه داد. وی در قسمتی از سخنان خود دربارهٔ وضعیت فرهنگی استان بوشهر اظهار داشت در حال حاضر در سطح استان ما ۳ نشریهٔ محلی، ۳ انتشاراتی و ۱۰ باب چاپخانه به فعالیت مشغول هستند و امیدواریم با همت فرهنگ دوستان بوشهری در آینده شاهد انتشار روزنامه‌ای در بوشهر باشیم. در ادامه این نشست فرهنگی حجةالاسلام والمسلمین فاضل فردوسی نماینده ولی فقیه و امام جمعهٔ بوششهر و همچنین دکتر سیدجعفر حمیدی مورخ و پژوهشگر بوشهری سخنانی دربارهٔ ابعاد مختلف اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوشهر ایراد کردند. در ادامه جوانترین شاعران و نویسندگان بوشهر شامل خانم زینب عوض‌پور و آقایان حبیب احمدزاده، علی هوشمند و رضا معتمد معرفی شدند. قابل ذکر است که آقای وزان خوانندهٔ معروف بوشهری نیز دو قطعه شروه اجرا نمود. این برنامه با استقبال شدید تماشاگران و حضار روبرو شد. در حاشیهٔ این نشست نمایشگاهی از وضعیت فرهنگی و عکسهایی از مناظر طبیعی، تاریخی و اجتماعی بوشهر در معرض نمایش گذاشته شد. یادآور می‌شود که یکی از شرکت‌کنندگان اصلی این نشست شاعر مشهور بوشهری استاد منوچهر آتشی بودکه ایشان به دلیل کسالت موفق به حضور در مراسم نگشتند.

مصاحبه روزنامه جامعه با منوچهر آتشی

در ادامه مصاحبه روزنامه جامعه با شخصیت‌های فرهنگی و هنری کشور ، این روزنامه در روز چهارشنبه هفته گذشته مصاحبه‌ای با منوچهر آتشی ، شاعر معروف بوشهری انجام داد. آتشی در خصوص روزنامه جامعه اظهار داشته است : به گمان من روزنامه جامعه به معنی کلمه یک روزنامه جامع و به یک تعبیر بی‌طرف است بنابراین برای خواننده‌ای چون من که به حزب و جناحی وابسته نیستم می‌تواند دلخواه باشد (که تا حدودی است). روزنامه جامعه می‌خواهد راه میانه را برگزیند تا بتواند هم حقیقت را بدور از عارضه‌های جناحی بازگوکند و اطلاع درست و بایسته به مردم بدهد و هم از تبعات حقیقت گویی در امان بماند تا بتواند به راه ادامه دهد و این وظیفه مشقت باری است که تا حدودی شما به انجام آن نزدیک شده‌اید. می‌گویم «تاحدودی» بخاطر این است که دراین دوره زمانه بی‌طرفی خنثی نداریم به ویژه در ایران و نمی‌توانیم و نباید هم داشته باشیم، چون از طرفی هر دو جناح از اصولی به ظاهر پیروی می‌کنند که جامعه هم به شیوه خود به آن معتقد است. جامعه به عنوان بی‌طرف «مثبت» باید که خطاها را از طریق نوشتن و اطلاع دادن اصلاح نماید و این هم کار دشواری است که معتقدم شما تا کنون حقاً با شجاعت از انجام آن طفره نرفته‌اید به ویژه در زمینه آشتی قشرهای مختلف روشنفکری و اهل تفکر.

شرکت مخابرات بوشهراستخدام می‌کند.

شرکت مخابرات استان بوشهر بر اساس مقررات استخدامی شرکتهای دولتی برای تکمیل کادر مورد نیاز خود از میان افراد واجد شرایط و از طریق آزمون یا مسابقه، مصاحبه و گزینش استخدام می‌نماید.

این شرکت در مشاغل کارشناسی مالی اداری ۴ نفر و در مشاغل کارشناس ارتباط و مخابرات و کامپیوتر نیز ۱۴ نفر را استخدام می‌نماید. بر اساس آگهی استخدامی که توسط شرکت مخابرات ایران در روزنامه‌های کثیرالانتشار از جمله روزنامه سلام (پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه) به چاپ رسیده این افراد از بین دارندگان مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر در یکی از رشته‌های الکترونیک، مخابرات، کامپیوتر، برق، کنترل و قدرت، فیزیک کاربردی، حسابداری و اقتصاد استخدام خواهند شد. داوطلبین حداکثر تا تاریخ ۷۷/۳/۱۰ برای ثبت‌نام فرصت دارند.

ازمصرف سفیدنمکی خوداری‌کنید

به گزارش مرکز بهداشت استان بوشهر اخیراً تعدادی افراد سودجو مبادرت به تهیه و عرضه نوعی پفک نمکی با مارک سفید نمکی نموده‌اند که فاقد پروانه ساخت و بهره‌برداری و نیز تاریخ تهیه و انقضاء می‌باشد که از نظر مرکز بهداشت استان غیرقابل مصرف انسانی تشخیص داده شده است.مرکز بهداشت از مردم درخواست نموده که از مصرف سفید نمکی خودداری کنند.

هفت سامورائی در کانون فیلم

"هفت سامورائی" فیلمی از کارگردان برجستهٔ ژاپنی "اکیرا کوروساوا" روز چهارشنبه ششم خرداد، راس ساعت ۴:۳۰ دقیقه در کانون فیلم (سازمان تبلیغات) نمایش داده خواهد شد. پس از فیلم نیز جلسه نقد و بررسی فیلم با حضور تماشاگران برگزار می‌شود.

پس از انتشار چهار شماره توقف انتشار هفته‌نامه پیام جنوب؟

بوشهر خبرنگار نسیم جنوب- از گوشه و کنار شهر شنیده می‌شود که هفته نامه پیام جنوب به صاحب امتیازی و سردبیری علیرضا شیرکانی بنا به علل نه چندان روشنی از انتشار بازمانده و ظاهراً ادامه انتشارش با اشکالات قانونی روبرو گشته است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه با شیرکانی گفتگویی تلفنی انجام داده‌ایم. وی در پاسخ به این سؤال که چرا شماره پنج پیام جنوب منتشر نشده است اظهار داشت «ما مطالب شماره پنجم نشریه را آماده کردیم اما از طرف ادارهٔ کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر به ما اطلاع دادند که به دلیل عدم تکمیل پرونده و وجود برخی نواقص، تا اطلاع ثانوی از انتشار پیام جنوب خودداری کنیم که امیدواریم این نواقص هر چه زودتر برطرف شود و ما بتوانیم به انتشار نشریه خود ادامه دهیم.»

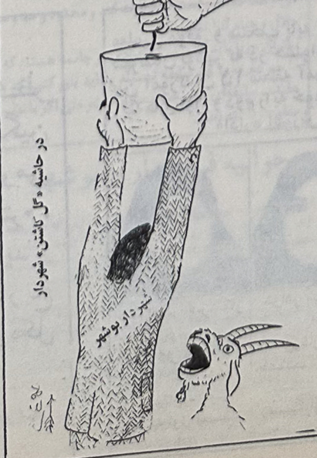
شیرکانی در پاسخ به این سؤال که آیا وجود مشکلات فنی و مالی یکی از علل عدم انتشار نشریه می‌باشد گفت: «ما در حال حاضر مشکل مالی چندانی نداریم و علت عدم انتشار شمارهٔ جدید فقط نواقص قانونی است» برای آگاهی از کم و کیف بیشتر قضیه کوشیدیم تا با سید نورالدین ابطحی مدیرکل ارشاد و فرهنگ اسلامی بوشهر تماس بگیریم اما تا لحظهٔ تنظیم خبر (یکشنبه شب) ایشان برای شرکت در روز بوشهر و بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب به تهران مسافرت کرده‌بودند و تماس با تلفن همراه ایشان نیز امکان پذیر نگردید.

در شماره آینده در اینباره تلاش خواهیم کرد تاگفتگویی با ابطحی ودیگر دست‌اندکاران امور مطبوعاتی داشته باشیم. نسیم جنوب امیدوار است هر چه زودتر موانع قانونی پیش آمده برای ادامهٔ انتشار پیام جنوب رفع شودو ما در هفته‌های آینده شاهد انتشار مجدد این نشریه در سطح استان بوشهر باشیم.

تبریک انجمن اسلامی معلمان بوشهر به مناسبت سالروز دوم خرداد

انجمن اسلامی معلمان بوشهر با صدور اطلاعیه‌ای فرارسیدن دوم خرداد را تبریک گفت . در این اطلاعیه آمده است : دوم خرداد روز عشق و ایمان و روز تداوم خط امام (ره)، عید اتحاد و همدلی مردم، دولت و ولایت، روز ناامیدی دشمنان دین و میهن، روز وفاق ملی، روز عزت مردم شریف ایران، روز جوانان روز، پیوند دوران حماسه‌ها و سازندگی با دوران نشاط، سرزندگی، امید به آینده و آغاز تحقق جامعه مدنی، روز بزرگداشت قانون، توسعه و سازندگی، روز نمود اراده و قدرت مردم در تعیین سرنوشت خویش، و بالاخره دوم خرداد روز حماسه ملی که خود یادآور حماسه غیور مردان و زنان و جوانان در دوران انقلاب و دفاع مقدس است، بر همه مردم عزیز ایران به ویژه دریا دلان رشید استان بوشهر که با حضور جدی در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، شگفتی وحماسه بی‌نظیر دیگری در دفتر سراسر افتخار تاریخ جنوب آفریدند مبارک و گرامی باد.

انجمن اسلامی معلمان بوشهر، گرامیداشت یوما... دوم خرداد و شرکت آحاد مردم همیشه در صحنهٔ بوشهر در مراسم آنرا پاسداری از دستآوردها و ارزشهای گرانقدر این روز خجسته دانسته و ارج می‌نهد.



اطلاعیه مجمع پیروان خط امام (ره) بوشهر به مناسبت فرا رسیدن حماسه دوم خرداد

یوما... دوم خرداد تجلی ارادهٔ ملی اسلامی مردان و زنان شرافتمند ایران اسلامی بود. مردم بزرگوار و مسلمان استان بوشهر نیز در لبیک به دعوت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی حضور چشم‌گیر و بیادماندنی خود را در تاریخ ثبت کردند. و این نیست مگر نشانه ثبات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که حاصل خون شهیدان و ایثارگری رزمندگان است که حماسه‌هایی چون سوم خرداد را آفریدند مبارک باد بر رهبر معظم انقلاب اسلامی حماسه حضور مردم در دوم خرداد سال ۷۶ و سالروز آزادی خرمشهر قهرمان.

دوم خرداد مطلع دوران نوینی در حیات انقلاب اسلامی و تکرار حضور شکوهمند ملت بزرگ ایران در صحنه دفاع از نظام جمهوری اسلامی است.

دوم خرداد نقطه عطفی در تاریخ معاصر میهن اسلامی ما است. تجلیل از این روز احترام به رأی صائب مردم و تجدید عهد با برنامه‌های رئیس جمهور محترم و محبوب جناب حجةالاسلام والمسلمین محمد خاتمی می‌باشد.

حاکمیت قانون، تشنج زدایی، دفاع از حقوق و آزادیهای شهروندان و احترام به کرامت انسانی، رفع تبعیض از جمله پیامهای دوم خرداد است که مردم ایران با رأی قاطع خود خواستار تحقق آنها می‌باشند و یقیناً بدون همراهی و حمایت مستمر پدید آورندگان آزاده‌ای که این حماسه عظیم را آفریدند میسر نمی‌گردد.

مجمع پیروان خط امام بوشهر ضمن گرامیداشت یاد خاطره امام خمینی (ره) حماسه دوم و یوم ا... سوم خرداد راگرامی می‌دارد.

جوابیه حوزه و پایگاههای مقاومت دانشجوئی دانشگاههای بوشهر به بیانیه انجمن اسلامی دانشگاه خلیج فارس

امام خمینی (ره): اگر سپاه نبود، کشور هم نبود، سپاه نور چشم من است، من از سپاه راضی هستم و هیچ وقت نظرم برنمی‌گردد. ای کاش من هم یک پاسدار بودم.

همانطور که امام راحل فرمودند در صورتیکه سپاه پاسداران یا نیروهای مسلح در امور سیاسی دخالت نمودند در قدم اول بر رهبر است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نمایند نه هیچ گروه دیگر، دخالت در امر رهبر بر خلاف قانون اساسی است. آنچه بارها از زبان گهربار حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری شنیده‌ایم تضعیف نیروهای مسلح خلاف شرع و قانون اساسی می‌باشد. این حرکتی است که متأسفانه اخیراً انجمن اسلامی دانشگاه خلیج فارس نموده است. که مخالفت صریح با قانون اساسی ومقام معظم رهبری علی‌الخصوص امام راحل می‌باشد. ضربه زدن بر نهاد مقدسی چون سپاه پاسداران خواسته آمریکا می‌باشد. کسانیکه ناخواسته به این دام افتاده‌اند هنوز زمان عذرخواهی از بین نرفته است و به قول خودتان به اوهام و افکار غلط به این انقلاب و نظام اسلامی ضربه نزنید.

قضیه شهردار تهران، یک قضیه قضائی می‌باشد و هنوز رفع اتهام نشده است. نامه ریاست محترم جمهوری به مقام معظم رهبری و پاسخ معظم‌له گواه این موضوع است.

سخان فرمانده محترم سپاه، در جلسه‌ای کاملاً محرمانه و نظامی که با تحریف و دروغ در بعضی روزنامه‌ها که علاقمند به تشنج و ناآرامی در جامعه هستند مثلاً عبارت "شمشیر ما زبان ماست" به عبارت "زبان ما شمشیر ماست" تحریف شده است. بریدن زبان منافق دشمن قسم خورده انقلاب چه مانعی دارد که آقایان را عصبانی کرده است. مخاطب فرماندهی محترم سپاه، همان منافقان کور دل ودشمنان قسم خورده انقلابند که همیشه سعی به ضربه زدن بر پیکره نظام مقدس جمهوری اسلامی داشتند و از هیچ عمل جنایتکارانه‌ای دریغ نورزیدند. کسانیکه انقلاب را دوست دارند و خود را جزء شجره طیبه این انقلاب می‌دانند از "آقا رحیم" و عزت اسلامی فرماندهی محترم سپاه تجلیل می‌کنند و خود را همگام و همراه ایشان می‌دانند، تضعیف سردار جبهه‌های جنگ که هزاران شهید والا مقام به فرماندهی ایشان در جبهه‌های حق علیه باطل فرمان خمینی کبیر را لبیک گفتند و به دیار لقاءالله شتافتند به سود چه کسی می‌باشد؟

دشمن ملت ما، آمریکای جنایتکار و اسرائیل غاصب می‌باشد. ما در راه دفاع از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی کشور عزیزمان مثل گذشته و بهتر از گذشته آماده جانفشانی هستیم.

و به برادرانمان در انجمن اسلامی دانشگاه خلیج فارس توصیه می‌کنیم که نسبت به مسائل با دقت کافی عمل نموده و با توجه به آرمان و رسالتی که بر دوش دارند در دام دشمنان داخلی و خارجی گرفتار نشوند و با اتحاد و یکپارچگی و در پرتو رهنمودهای پیامبرگونه مقام معظم رهبری توطئه‌های آنان خنثی نموده و برای همیشه آنها را مأیوس کنیم.

پایگاه مقاومت دانشجوئی امام حسن مجتبی (ع) دانشگاه پیام نور - حوزه مقاومت و دانشجوئی شهید آوینی دانشگاه خلیج فارس (بوشهر)- حوزه مقاومت و دانشجوئی شهید بهشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر - حوزه مقاومت و دانشجوئی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

گفتگوی صمیمانه با
سردار دریادار دوم پاسدار حاج حسین کارگر فرمانده ارشدسپاه در استان بوشهر، بمناسبت سالروز آزادی خرمشهر

من بر دست قلمزنی که با نیت الهی بنویسد، بوسه می‌زنم



□ اولین تیری که در زندگی شلیک کردید کی بود؟

● بسم‌الله الرحمن الرحیم. ایام محرم است و اول سلام و عرض ارادتی به ابا عبدالله حسین (ع) بکنیم. همچنین در آستانه سالروز فتح خرمشهر هستیم، این روز بزرگ و فتح عظیم را به خانوادهٔ شهداء و برادران عزیز و ایثارگر و همشهری وهم‌استانی خودتبریک وتهنیت عرض می‌کنم.

اولین تیر را من در دوران قبل از انقلاب و در خدمت سربازی شلیک کردم. یعنی بعد از یک دوره مقدماتی مِا را در کرمان بردند به میدان تیر. اولین مرحله تیراندازی فاصله صد متر بود و به حالت به اصطلاح درازکش. پنج تیر اول قلق بود و تیرهای دیگر هم تیر نمره بود. من دراز کشیدم. فرمانده فرمان آتش صادر کرد. من تا آن زمان هیچ تیری در زندگی‌ام شلیک نکرده بودم، حتی تا قبل از سربازی هم دست به تفنگ نزده بودم و با آن کار نکرده بودم...

□ مگر شما کجا زندگی می‌کردید؟

● در یکی از روستاهای کنگان، اولین تیر را که شلیک کردم یک وحشتی به من دست داد در حدی که همین طور که درازکش روی زمین خوابیده بودم بی‌اختیار از روی زمین بلند شدم و خواستم بنشینم، اما آن افسری که بالای سرم بود پایش را روی کمرم گذاشت و گفت: بخواب.

جالب اینکه در آن جلسه تیراندازی و با وجودی که من برای اولین بار بود که تیراندازی کردم،در میان یک گردان سیصد نفری، نفر دوم یا سوم شدم! به همین خاطر هم تشویق شدم و چهل و هشت ساعت مرخصی به من دادند که البته چون راه ما دور بود و از کرمان تا کنگان وسیله‌ای نبود، تشویقی ما نیز همینطوری در کرمان گذشت.

□ اولین عراقی را که کُشتید کی و کجا بود؟ چیزی یادتان می‌آید؟

● در ماجرای درگیری خرمشهر در ابتدای جنگ بود. عراقی‌ها آمده بودند خرمشهر را بگیرند و گرفتند. ما در آن روزها یک مقداری تیراندازی کردیم. چند تا عراقی هم کشته شد. روزهای اول جنگ و در حال دفاع از شهر خرمشهر کُشتم.

□ مگر شما در ماجرای سقوط خرمشهر هم آنجا بودید؟

● بله، ما را از کنگان با تجهیزات کامل به تهران بردند و از آن‌جا به خرمشهر اعزام کردند. خوب یادم هست ما وقتی خواستیم از کنگان حرکت کنیم، من یک قبضه اسلحهٔ ژ-۳ و پنج خشاب پر از فشنگ به همراه خود داشتم. به آبادان که رسیدیم به ما اطلاع دادند که جادهٔ آبادان را عراقی‌ها تصرف کرده‌اند. خلاصه وضعی پیش آمده بود که ما نمی‌دانستیم عراقی کجاست و ایرانی کجا و خلاصه به هر زحمتی بود خودمان را به خرمشهر رساندیم و شروع به نبرد کردیم.

□ چند روز از جنگ گذشته بود؟

● کمتر از ۲۰ روز گذشته بود که ما به خرمشهر رسیدیم.

البته من در حین دفاع از خرمشهر زخمی گردیدم که به هزار زحمت مرا از خرمشهر خارج و به اهواز رساندند.

□ آیا در جنگ با عراق ،موقعی هم شد که دلتان برای یکی از سربازان آنها بسوزد؟

● حدود یک سال از جنگ تحمیلی گذشته بود و من فرمانده یکی از گروهان‌ها بودم. شب‌ها عملیات کردیم و سنگرهای عراقی‌ها را فتح نمودیم. صبح که بلند شدیم دور تا دور ما را کشته‌های عراقی فرا گرفته بود. نزدیکیهای سحر بود که من ناگهان از نزدیکی‌ام صدای تکبیری با لهجه عربی شنیدم! فهمیدم که چند نفر عراقی در سنگر مجاور ما هستند و می‌خواهند خود را تسلیم کنند. یک وقت دیدم دستی از سنگر بیرون آمد و سرباز عراقی در حالیکه زیر پیراهنی سفیدش را به علامت تسلیم شدن تکان می‌داد به طرف ما آمد. من حدس زدم که ممکن است کسان دیگری هم در سنگر باشند. از این رو بلند فریاد زدم.

- بچه‌ها کسی تیراندازی نکند! کسی نزند... کسی نزند...

در همین حال که من داد می‌زدم، سه نفر عراقی از سنگر بیرون آمدند. یکی از بچه‌های خودمان که متوجه تسلیم شدن آنها نبود، از دور روی عراقیها رگبار بست. تیر به یکی از عراقیها خورد. با فرد تیرانداز دعوا کردم و با پرخاش به او گفتم:

- مگر نمی‌گویم نزن! اسیر را که نمی‌زنند. خود او نیز به شدت غمگین و متأثر شد.

خلاصه در آن ماجرا دلم خیلی برای آن اسیر تیر خورده سوخت. به همین خاطر هم بلافاصله به آن دو اسیر دیگر فرمان دادم تا عراقی تیرخورده را بلند کنند و به این طرف خاکریز بیاورند. عراقی مجروح را آوردند و در زیر آتش شدید و نبود امکانات درمانی حتی برای نیروهای خودی او را با زحمت زیاد برای مداوا به پشت جبهه فرستادیم.



سال ۱۳۶۱ - منطقه جنگی دشت عباس

□ روزی که خرمشهر آزاد شد شما کجا بودید و چه خاطره‌ای از شنیدن خبر آزادی این شهر دارید؟

● ما چون در عملیاتهای شکست حصر آبادان و فتح‌المبین بودیم، وقتی که برگشتیم کنگان، فرمانده ما به ما اجازه نداد دوباره به جبهه برگردیم. می‌دانستم که قرار است عملیاتی انجام شود و باز هم می‌دانستم که این عملیات برای آزادی خرمشهر است، برای این هم از فرمانده خواهش کردم که اجازه بدهد بروم. ایشان گفت: نه اگر نوبتی هم باشد نوبت پاسدارهای دیگر است.

یادم نمی‌رود، آن روز، روز بسیار تلخی برایم بود. هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم. فرمانده بود و اطاعت از فرمانده نیز واجب. از ناراحتی نشستم و گریه کردم!

اما خبر فتح خرمشهر در بعداز ظهر روز سوم خرداد رسید. من با دوستان در سپاه کنگان بودیم. آمدیم به شهر، دیدیم مردم به خیابان ریخته‌اند وشادی می‌کنند و صلوات می‌فرستند و نقل و نبات پخش می‌کنند. من هم به آن جمع پیوستم. هم خوشحال بودم که خرمشهر آزاد شده و هم ناراحت بودم که چرا من در این عملیات شرکت نکرده‌ام.راستش را بخواهید هنوز هم از فرمانده گله‌مندم که چرا اجازه نداد من آنروز در عملیات فتح خرمشهر شرکت کنم.

□ در طول جنگ تحمیلی شهید شدن دوستانتان چه تأثیری روی شما می‌گذاشت؟

● آدم وقتی به جبهه می‌رفت با همسنگرانش خیلی برادر و صمیمی می‌شد. خوب به یاد دارم عملیات شکست حصر آبادان بود و من فرمانده یکی از گروهان‌های عملیاتی بودم. در آن گروهان حدود ۹۰ نفر پاسدار از بوشهر و تعدادی بسیجی از فارس هم بودند. به همین خاطر هم هنگام عملیات همه بوشهری‌ها را بردند جای دیگر زیرا می‌خواستند اگر در عملیات کسانی شهید شدند همهٔ آنها از بوشهر نباشند که یک دفعه یک شهر عزادار شود. اما چند نفر بوشهری در آن عملیات بودند که شهید هم شدند. درست مثل اینکه برادرم شهید شده باشد. حتی نزدیکتر از برادر و بسیار دوست داشتنی و عزیزتر بودند. واقعیتش دلم سوخت . سخت‌تر از آن،چون فرمانده بودم جلو بچه‌ها نمی‌توانستم گریه کنم. خلاصه رفتم جای خلوتی گیر آوردم که در سوگ این برادرها دلم را خالی کردم.

□ فرمانده بودن سخت است؟

● خیلی سخت است. راستش را بخواهید فرمانده یعنی نوکر! چرا؟به خاطر اینکه همه مسئولیتها را بعهده دارد و نیازمندی برادران را تأمین کند و غرولندها را باید به جان بخرد، اگر کسی از دوستانش هم کشته شد گریه هم نمی‌تواند بکند.

□ امام در توصیف آزادی خونین‌شهر فرمودند:«خرمشهر را خدا آزاد کرد» برداشت شما از این جمله چیست؟

● این فرمایش امام تفسیر آیه «و ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی»است.

صدام آدم معمولی نیست. اگر بود در طول این بیست سال و با وجود این همه بحران، حتماً سرنگون شده بود. پس آدم قدرتمند و زیرکی است. همین صدام گفته بود اگر ایران خرمشهر را فتح کند من کلید بصره را،به او می‌دهم. بی‌خود هم این ادعا را نکرده بود. در خرمشهر عراقی‌ها چنان تدارکات و تجهیزاتی را بکار برده بودند که هیچ ارتشی در دنیا قدرت تصرف آن را نداشت. تنها این نیروهای ما بودند که با ایمان و توکل به خدا و عشق به امام حسین و فرهنگ عاشورا، خرمشهر را آزاد کردند. اگر کسی موقعیت خرمشهر را زمانی که در تصرف عراقیها بود بداند، تصدیق می‌کند که این خدا بود که خرمشهر را آزاد کرد.

□ سردار ! یک سؤال خصوصی از شمادارم؟

● بفرمائید.

□ اگر یکی از بچه‌های شما در نسیم جنوب کار می‌کرد چه توصیه‌ای و نصیحتی به او داشتید؟

● کسانیکه در سنگر فرهنگی کار می‌کنند سروران من هستند و انصافاً پیش من عزیز هستند حالا با هر طرز تفکری که دارند کار می‌کنند که کار آنان به هدف مقدسی بینجامد. من آن دستی که قلم را به نیت الهی و برای حفظ آرمانهای مقدس انقلاب اسلامی در دست می‌گیرد می‌بوسم. صحبتی هم که با بچه‌های نسیم جنوب دارم این است که سنگری که در آن هستید را بطور صحیح حفظ کنید. عده‌ای خون دادند تا این سنگر حفظ شود، این سنگر در دوران دفاع مقدس با تیر وتفنگ حفظ شد و اکنون با قلم باید حفظ شود. برای حفظ و نگهداری همان آرمانها .

□ بعنوان سؤال آخر جناب دریادار، اگر پاسدار نبودید دلتان می‌خواست چکاره باشید؟

● فقط یک بسیجی!

به بهانه سوم خرداد شانزدهمین سالگرد فتح خرمشهر

عقل حسابگر، آزادی خرمشهر را از محالات جنگ می‌پنداشت، عشق ثابت کرد که ایمان محال نمی‌شناسد

● مصطفی عالی حسینی

در مخیله متجاوزین عراقی استیلا یافتن بر بندر استراتژیک خرمشهر از همان ابتدای جنگ اهمیت خاص داشت. رژیم عراق می‌اندیشید که با تسخیر این بندر تجارتی بسیار مهم، خواهد توانست مجرای صادرات و واردات کالاها را مسدود کرده و در اقدامات بعدی ضمن تسلط بر اروند رود خوزستان را تسخیر و برمنابع نفتی ایران تسلط تام و تمام پیدا کند د شمن با تجهیز کردن کلیه ادوات جنگی پیشرفته و به میدان آوردن دهها لشکر و تیپ زرهی و زبده‌ترین نیروهای پیاده نظام، در حالیکه خرمشهر را از زمین و هوا زیر آتش و بمباران قرار داده بود و به پیشروی خود به سوی خرمشهر ادامه داد. مردم قهرمان خرمشهر و رزمندگان دلاور مستقر در شهر با اراده پولادین و روحیه خستگی ناپذیر چنان مقاومتی از خود نشان دادند که شگفتی جهانیان را یکسره برانگیختند. در خرمشهر با فرود هر بمبی خانه‌ای ویران می‌شد و مردان جنگی با کسوت شهادت به استقبال مرگ می‌رفتند. در حقیقت خرمشهر در آن زمان حساس و ماندنی همه ایران بود. بچه‌های بسیجی بدور از اصالتهای جغرافیایی و تفاخرهای قومی آمده بودند تا خرمشهر را از قدمهای منفور متجاوزین پاک کنند. آنجا نژاد و قومیت و اصالتهایی از این دست خریداری نداشت. بسیجیان براین عقیده بودند که اسلام حرف اول و آخر آنان است. و معتقد بودند که راه حسینیان برگشت ندارد. پایداری رزمندگان، پایداری امتی بود که با پذیرش مرگ شرافتمندانه، ذلت را هرگز نپذیرفته و پرچم شرف و آزادگی را همواره در اوج سرافرازی به اهتزاز درآوردند. کوچه و خیابانهای خرمشهر، شاهدند که دلاوران بی‌باک اسلام چگونه با رشادت و تهور به جنگ توپها و تانکها رفتند و چگونه با عبور از دیوارهای آتش سیلی خشم خود را بر گوش دشمن نواختند. سی و پنج روز مقاومت افتخار آفرین و ماندگار رزمندگان و مردم غیرتمند خرمشهر در برابر لشکر تا دندان مسلح عراق حماسه بزرگی است که هرگز فراموش نخواهد شد. سقوط خرمشهر در روز چهارم آبان ۱۳۵۹ در حالی انجام گرفت که جان برکفان سپاه اسلام ضمن مبارزه بی‌امان خود یکی پس از دیگری جان ارزشمند خویش را به آستان دوست تقدیم کردند و به ملکوت اعلی پیوستند. دشمن زخم خورده و خون آشام و ددمنش زمانی توانست پای به درون شهر بگذارد و به سرقت مسلحانه بپردازد که پیکرهای مقدس شهیدان خیابانهای خونین شهر را د رآغوش گرفته بودند و تنها آسمان بود که بر غربت آنها می‌گریست. آن‌ها با شعار خویش مبنی بر اینکه «تا زنده‌ایم نخواهیم گذاشت خرمشهر به دست دشمن اشغال شود مگر اینکه بر روی جنازه‌های ما عبور کند» با خون سرخ خود امضاء کردند و رفتند. سقوط خرمشهر با تمام اندوهی که در پی داشت خشم عمومی را برانگیخت و خون غیرت و انتقام را دررگها به جوش آورده رهبری قاطعانه امام خمینی (قدس سره) در هدایت جنگ به سوی پیروزی و کمک و یاری همه جانبه ملت شرافتمند ایران به رزمندگان اسلام همه و همه موجبات این را فراهم ساخت که شیوه‌های هدفدار نظام یافته جنگی به بهترین شکل ممکن در میدانهای نبرد طراحی و اجرا شود و راههای غلبه بر دشمن و نیل به پیروزی هموار گردد. ۱۹ ماه به عبارتی ۵۷۸ روز از اشغال خرمشهر به دست مزدوران بعثی عراق می‌گذشت.

عقل حسابگر، آزادی خرمشهر را از محالات جنگ می‌پنداشت و عشق ثابت کرد که ایمان محال نمی‌شناسد. چنین تفکری بر جیش خمینی کبیر حاکم بود که به برکت اراده پولادین ملت غیور و رهبری داهیانه بنیانگذار جمهوری اسلامی (ره) رزمندگان نیروهای مسلح متشکل از سپاهی، ارتشی، و بسیجیان سلحشور با انجام عملیات بزرگ بیت‌المقدس در اواخر اردیبهشت ماه سال ۶۱ بوجود آوردند و د رسوم خرداد ماه خرمشهر را از چنگال متجاوزین بعثی خارج ساختند،و اینک سلام ما بر تو ای شهر ایثار و مقاومت. ای دیار بالندگیها، شهر شهیدان، شهری که خمینی کبیر فتح ترا معجزه الهی خواند. سلام بر فرزندان ایران اسلامیت که در بلوغ غیرت و خون،بسان نخلهای سربریده بر بستر تاریخ شجاعت و مردانگیها جاری نمودند و دشمن خصم رابه ذلت و زبونی انداختند. درود خدا بر روان پاک بسیجیانی که تا دروازه خرمشهر پیشرفت کردند و آزادی خرمشهر آرزوی دیرینهٔ آنان بود اما خرمشهر را ندیدند و به لقاءالله شتافتند،بسیجیانی که در طول هشت سال جنگ تحمیلی برای لشکریان بعثی عزرائیل مرگ بودند.



مصاحبه با حجة الاسلام سید محمد نبوی، در آستانهٔ دوم خرداد

مردم از یکنواختی گذشته خسته شده بودند.

□ ارزیابی شما از انتخابات ریاست جمهوری در بوشهر چیست؟

● من می‌توانم ادعا کنم که چنین انتخاباتی و چنین حضوری در گذشته‌های دور و نزدیک ما نبوده، البته اول انقلاب در رابطه با حضور امام و استقبال مردم از ندا و فریاد امام، مردم سر از پا نشناخته با اهتمام کامل در صحنه حضور داشتند ولی در مسئله انتخابات ریاست جمهوری، حضوری این چنین در کشور ما بی‌سابقه بوده است و مردم با ایمان و اهتمام و بدون هیچگونه جنبه سیاسی و ... شرکت کردند، فقط مردم تشخیصشان بر این بود که در این موقعیت خاص و حساس حضور مردم لازم است و باید همگی در انتخابات شرکت کنند و مردم در کمال ایمان و اخلاص و با توجه به اینکه در این موقعیت حضور آنان ضروری و لازم برای کشور و نظام و اسلام است، بر این مبنا مردم حضور پیدا کردند.

□ به نظر شما بحث و تلاش جناحها چقدر در حضور مردم دخیل بود؟

● من هیچگونه بحث جناحی، جنبه‌ای و یا حمایت دیگر به غیر از این بعد خالص که مردم با ایمان و با تعهد و تشخیص وظیفه شرعی خودشان آمدند هیچگونه ابعاد دیگری را مشخص ندیدم، البته نه اینکه فاقد بود، ولی بیشترین و بالاترین و بارزترین دلیل حضور مردم بر مبنای ایمان و اعتقاد و بر اساس به اینکه در این موقعیت ضرورت دارد مردم حضور پیدا کنند و با شناختی هم که پیدا کردند به این مسئله اعتنا کردند و رأی دادند و ارزش این حضور مردم ما در دوم خرداد در این است که می‌توان ادعا کرد که بیشترین حضور با توجه به جمعیت در استان ما بوده در این انتخابات، و حال این که قاعدتاً باید غیر از این باشد زیرا ما از دورترین استان‌هایی از مرکز بوده‌ایم و بعد اینکه جناب خاتمی دورهٔ قبل از انتخابات، افراد خاصی ایشان را می‌شناختند و عامهٔ مردم او را نمی‌شناختند ولی آنجایی که به نظر من، خواست خدا در آن بود آنستکه در این مدت کوتاه مردم از آقای خاتمی شناخت پیدا کنند و بر شناختشان پافشاری داشته باشند و به موانع هم پشت پا بزنند و وظیفه خودشان را در این مسئله انجام دهند.

□ صحبت جنابعالی بیشتر بر اصل مشارکت مردم در انتخابات است، سؤالی که داریم این است که در انتخابات گزینه‌های مختلفی در نزد مردم ایجاد انگیزه می‌کرد برای رأی دادن به آقای خاتمی، به نظر شما در نزد مردم استان بوشهر کدام ویژگی خاص از آقای خاتمی باعث شد تا مردم این چنین از او استقبال کنند و به او رأی دهند.

● به نظر من آقای خاتمی دارای ابعاد مثبت زیادی بوده است، ولی مردم از یکنواختی و وضع یک جوری گذشته قدری خسته شده بوند و تنوع و تغییری را دلشان می‌خواست علیه مدیریت دولتی ایجاد شود و این یکی از عواملی است که با این دید که با این تغییر و تنوع اثرات بهتر و بیشتری در مدیریت دولتی ایجاد شود و مشکلاتی که مردم با آن مواجه بودند و هستند کمتر شده و حل شوند.

□ راجع به عملکرد نیروهای طرفدار آقای خاتمی در انتخابات نظر جنابعالی چیست؟

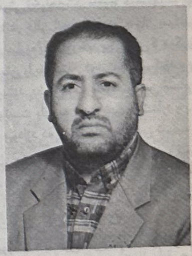
● من در ستاد آقای خاتمی عنوانی نداشته و مسئول ستاد نبودم گر چه اصرار بر این بود که من مسئولیت ستاد را بپذیرم ولی من به جهاتی این مسئولیت را نتوانستم بپذیرم و آقای آل‌بویه که شخص فعالی بود مسئولیت را پذیرفت و خوب هم کار کرد و افرادی هم که در ستاد بودند با او همکاری داشتند و اکثریت قریب به اتفاق افرادی بودند که با بینش و با توجه و علاقه خاص بدون چشمداشت به جهات مادی و دیگر جهات فعال بودند.

□ در بعد از انتخابات به نظر شما عملکرد این افراد چگونه بود؟

● من در بعد از انتخابات بخاطر کمبود وقت، چندان ارتباطی با اینان نداشتم و خودشان فعال بودند، دیگر حضور من گاهگاه بعنوان یک مستمع آزاد در آنجا بود نه به عنوان اظهار کننده و یا راهنما و من در کار آقایان دخالتی نداشتم.

□ در پایان درخواست می‌کنم چنانچه توصیه‌ای دارید به نیروهای خط امام و طرفداران آقای خاتمی بفرمائید.

● وقتی که حکومت و مدیریت دولتی را پذیرفته‌ایم و سلسله مراتب از مرکز مملکت و مدیر دولتی مملکت که رئیس جمهور باشد تا بیاید نهادهای پایین‌تر و تا بیاید به مرکز استان و نماینده آن که استاندار باشد، وقتی که اینها را پذیرفته‌ایم و تشخیصمان بر این است که اینها هم علاقمندند و هم بینا و بصیرت دارند به مسائل و تعهد دارند و فعالیت و تلاششان را هم می‌بینیم. وقتی مسئولین ما اینقدر شناخته شده باشد، قطعاً دلشان می‌خواهد که بهتر و سالمتر عمل انجام گیرد و مشکلاتشان کم شود اما با همه این حرفها، این نیست که ما صد در صد بگوئیم که هیچگونه اشکال و اشتباهی نیست، باز هم جای اشکال و اشتباه است، نهایت اینکه وقتی این مسائل آدم را نگران می‌کند که تعهدی در کار نباشد یا بی‌دقتی در کار نباشد، وقتی که تعهد بود، دقت هم در کار بود و دیگر اشتباهی هم رخ داد باز طرف معذور خواهد بود و من از این جهت مشکلی نمی‌بینم و مسئولین هم که تا حالا از هر نهادی جابجایی شده و یا انتقالی شده، با دقت و مطالعه شده یعنی اینطور نبوده است که بی‌توجهی شده باشد و همینطور فردی را جابجا کنند و فردی را منتخب کنند، پس با این جهات مردم البته حق دارند چون مشکلات دارند، مردم استان ما مشکلات اقتصادی دارند، کار برایشان نیست، بیکاری در این استان بیش از سایر استانها است، وقتی که مردم مشکل داشتند، غالباً هم تصورشان شاید بر این باشد که امکان رفع مشکل است ولی مسئولینند که خیلی به رفع مشکلات توجه ندارند. این طرز فکر اشتباه است، مسئولین اگر بیش از ما دلشان نسوزد بقدر ما دیگر فکر می‌کنند و برای خوش‌نامی خودشان که باشد حتماً اصرار دارند که مردم مشکلاتشان برطرف شود، مشکلاتی که دولت با آن مواجه است، مسئله اقتصادی و مالی دولت دیگر بر کسی پوشیده نیست، وضع نفت و بازار نفت و مشکلات عدیده دیگری که است، دست و پا را بسته و آنطوری که دلخواه است کار و فعالیت برای مردم نیست و با همه این مشکلات باز تلاش است، باز سعی است، باز کنفرانس و جلسه و سمینار و همه اینها در ارتباط با این مسائل است و اینها ناشی از عنایت مسئولین است به مسائل مردم.



دوم خرداد

نقطهٔ عطفی در تاریخ صد سالهٔ اخیر

تحلیلی از شرایط سیاسی مشارکت مردم در انتخابات

● دکتر محمد جواد حق شناس

اگر ما به تاریخ صدسالهٔ اخیر کشورمان یک نگاه گذرایی بیاندازیم نقاط عطف‌های گوناگونی را می‌توانیم در آن مشاهده کنیم که در سرنوشت سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی کشورمان بسیار مؤثر بوده‌است.دوم خرداد ۷۶ نیز یکی از نقاط عطف انقلاب ما و کشور ما در صد سال اخیر بود. در فاصله‌ای که، پس از پیروزی انقلاب داشتیم، شاهد نقش قوی و حضور جدی مردم در صحنهٔ انقلاب بودیم و خصوصاً جوانان ما که با تکیه بر رهبری امام و دیدگاهی که ایشان بر اسلام ناب محمدی(ص) ارائه می‌کرد برای حذف استبداد و برای تحقق شعار استقلال، آزادی ، جمهوری اسلامی و شعار نه شرقی و نه غربی توانستند انقلاب بسیار بزرگی را به ثمر برسانند. در دوران پس از انقلاب ما شاهد تحرکات گروههای مختلف سیاسی در گرایشات گروههای چپ، التقاط و راست سیاسی بودیم که همراه با قدرتهای خارجی ودخالت مستقیم دولتها و بعد جنگ هشت ساله‌ای که به ملت ما تحمیل شد و به گونه‌ای شرایط را فراهم آورد که ما کمتر به دستاوردهای این انقلاب توجه داشته باشیم و برای حفظ تمامیت ارضی کشور و حفظ حیثیت سیاسی خودمان تاکید کنیم و از کنار یکی از مهمترین دستاوردهای این انقلاب که آزادی بود به خاطر مصلحت بزرگتری تا حدودی بگذریم. فضایی که تا دوران هشت سال پس از جنگ و دوران سازندگی فراهم شد با پیشرویهایی که بعضی از جریانات سیاسی کشور که می‌توانیم از آنها عنوان جریانات سیاسی تمامیت خواه نام ببریم و با استدلالی که این مجموعه از قدرت و ادارهٔ حکومت با نگرش خاص خودشان داشتند ما شاهد افول تحرکات سیاسی متعلق به پیروان خط امام بودیم، به‌گونه‌ای که در مجلس چهارم تعداد زیادی از کاندیداهای متعلق به این خط و دارای سوابق بسیار روشن انقلابی و سیاسی از حوزه‌های انتخاباتی حذف شدند و این روند به دولت دوم آقای هاشمی هم منتقل شد و ما شاهد حذف نیروهای کارآمد خوش سابقه و دارای بینش‌های مستقل و معتقد به خط امام از حضور در صحنهٔ سیاسی دولت و همینطور در قوهٔ مقننه بودیم و با توجه بر فضایی که قانون اساسی بر قوهٔ مقننه دیکته می‌کرد مبنی بر اینکه دورهٔ ریاست جمهوری حداکثر برای یک نفر بیشتر از ۸ سال نیست ،یکی از دغدغه‌های خاطر جریانات سیاسی کشور این بود که بعد از دوران ۸ سالهٔ ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی ،نوبت به چه کسی خواهد رسید.جریان سیاسی موسوم به راست سنتی که تحرکات خودش را در طول ۴ سالهٔ آقای هاشمی و حتی قبل از آن آغاز کرده بود ،به‌گونه‌ای که این اثر را در انتخاب هیات دولت دورهٔ دوم هم به جای گذاشت و با حذف چهره‌هایی مثل دکتر معین و آقای نوری و یکی دو تن از چهره‌های موفق دولت، موفق شدند که وضعیت را به گونه‌ای فراهم کنند که برای رسیدن به حاکمیت در قوهٔ مجریه، تمهیدات لازم را از قبل اندیشیده باشند و رسیدن به آن را سهل و آسان کنند فضا هم دقیقاً با این وضعیت به پیش می‌رفت و آن مجموعه کاندیدای خودش را هم مشخص کرده بود که او در طی این چهار سال با توجه به اینکه در ریاست قوهٔ مقننه قرار داشت و چهرهٔ شناخته شده‌ای هم بود با امکاناتی که صدا و سیما در اختیار مجموعه قرار می‌داد و امکاناتی که متکی به بخشی از دولت بود، در واقع حرکت تمامیت خواهیشان را برای تسلط بر قوهٔ مجریه شروع کرده بودند و وقتی که موضوع انتخابات ریاست جمهوری برای مرحله بعد مطرح شد، شاهد چندین گرایش متفاوت سیاسی در آن روز بودیم. یک گرایش که مربوط می‌شد به گرایش سیاسی کارگزاران که در اوائل نظرش بر این بود که چرا باید دوره ریاست جمهوری مقید به ۸ سال برای یک نفر باشد.وقتی که ما برای قوهٔ قضائیه چنین قیدی نداریم خوب این قید برای قوه مجریه شاید یک نوع ظلم به این قوه باشد .اینان نظر بر تغییر قانون اساسی داشتند که این قید برداشته شود و با برداشتن این قید در واقع ریاست جمهوری آقای هاشمی نیز تداوم داشته باشد.این تفکر با نظریهٔ صحیحی که رهبری انقلاب در یکی از سفرهایشان اعلام نمودند منتفی شد و صورت مسئله پاک شد. باز ما شاهد عدم تحرک سیاسی گروههای نزدیک و همفکر مجمع روحانیون بودیم که این گروه بعد از برخوردی که با مجموعه‌شان در انتخابات مرحله چهارم شد در انتخابات دوره پنجم عمدتاً مشارکت نکردند و شاید نزدیک به پنج سال سکوت و انزوا، اختیار کردند.اما با فضایی که باز شده بود این مجموعه دست روی چهرهٔ شاخص سیاسی پس از انقلاب گذاشتند و آقای مهندس موسوی نخست وزیر ۸ سالهٔ دوران حیات حضرت امام را برای کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کردند. اما با تحرک نسبتاً سختی که جناح راست از خود نشان داد و در نظرسنجی‌های اولیه‌شان هم حکایت از این داشت که این انتخاب می‌تواند شانس آن مجموعه را در پیروز شدن در انتخابات ریاست جمهوری به شدت کاهش دهد، تحرکاتی را آغاز کردند که چندان هم مناسب با فضاهای معنوی و قانونی انتخابات نبود.مهندس موسوی اعلام آمادگی‌شان را برای تصدی کاندیداتوری ریاست جمهوری منتفی دانست و اساس خرسندی جناح راستی‌ها فراهم شد تا از قبل شادمانی و خوشحالی پیروزیشان را در انتخاباتی که قرار بود دوم خرداد برگزار شود اعلام کنند. از طرفی جناح کارگزاران نیز بعد از منتفی شدن کاندیداتوری جناب آقای هاشمی،بدنبال یافتن چهره دیگری بودند که بتوانند آن را برای نامزدی انتخابات معرفی کنند.ابتدا مذاکراتی را با دکتر حبیبی داشتند که منتفی شد ،بنا به نقلی مذاکراتی را با دکتر هدایتی داشتند که گویا به نتیجه نرسید،و از طرفی مجمع روحانیون مبارز هم بدنبال یافتن کاندیدای مورد نظر خودشان برای انتخابات ریاست جمهوری بودند که با معرفی آقای خاتمی از اعضاء مجمع روحانیون مبارز و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت مهندس موسوی ودولت چهار سالهٔ اول جناب آقای هاشمی که با تعرض جناح راست ایشان مجبور به استعفا شد و جایشان را به آقای لاریجانی و سپس آقای میرسلیم داد، ما شاهد حضور جدی جریان نزدیک به مجمع روحانیون مبارز در انتخابات بودیم و گروههایی مثل دفتر تحکیم وحدت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمنهای اسلامی معلمین و مدرسین دانشگاهها و گروههای پیرو خط امام، کلاً به نوعی از این اعلام کاندیداتوری استقبال کردند و زمینه برای حضور جدی و مشارکت جدی مردم در انتخابات فراهم شد.

دوم خرداد کشف یک غفلت مهم تاریخی

● سیدقاسم یاحسینی

در دوم خرداد ۷۶ مردم مسلمان ایران به یک چیز اساسی و بسیار مهم رأی دادند و آن دگرگونی و تغییر در وضع موجود بود. واقعیت این است که مردم از روند حوادث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علی‌الخصوص قرائت رسمی که از اسلام صورت می‌گرفت به شدت ناراضی بودند و با پس زدن نامزد رسمی دولتی و حکومتی، علناً و آشکارا این نفی و اعتراض را اعلام کردند و نشان دادند.

مردم اگر از وضع موجود و قرائت رایج از اسلام راضی بودند به کسی رأی می‌دادند که صدا و سیما، حوزه‌های علمیه، ائمه جمعه و جماعات و در یک کلام همهٔ نهادهای رسمی و غیر رسمی وابسته به حاکمیت او را تبلیغ و ترویج می‌کردند. در صدر خواسته‌های مردم قرائت دیگری از اسلام قرار داشت. قرائتی که در آن آزادی و عدالت در صدر قرار گیرد. اموری که در سالهای اخیر به شدت کمرنگ و در برخی مواضع ومقاطع به کلی نادیده گرفته شده بود.

اما در پس این دگرگونی یک نکته حساس جامعه شناختی و تاریخی وجود دارد که متأسفانه در یک سال اخیر کمترین توجهی به آن نشده و یا جناح‌ها و گروههای درگیر در سیاست روز کشور به مصلحت خود ندانسته‌اند که آنرا مطرح کنند و آن عدم شناخت واقعی خواست توده‌های میلیونی ایران توسط جناح راست و چپ و میانه است.

برای بازتر شدن موضوع، رقابت انتخاباتی هفتمین دورهٔ ریاست جمهوری را کالبد شکافی می‌کنیم:

در این انتخابات دو جریان فکری سیاسی رویاروی یکدیگر قرار گرفتند: یکی مذهبی‌های سنتی که برداشتی محدود و حتی متحجرانه از اسلام و ارزشهای منبعث از این مکتب داشتند و دیگری مذهبی‌هایی که تا اندازه‌ای خواهان تحول د رفهم دین و انطباق برداشتهای دینی با عصر جدید بودند.

در انتخابات گذشته تبلور جریان نخست، حجةالاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری و نماینده جریان دوم حجةالاسلام سیدمحمد خاتمی بود. اما می‌بینیم که هر دو نفر متعلق به نهادی به نام "روحانیت" هستند. بنا بر این در "خودی" و "درونی" بودن و از آن مهمتر اسلامی و مسلمان بودن هر دو جریان کمترین تردیدی نمی‌توان کرد. این دو جناح شروع به تبلیغات انتخاباتی کردند. جناح اول متکی به شیوه‌ها و ابزارهای حکومتی، چنان از پیروزی خود مطمئن بود که برتری خود را امری قطعی و غیرقابل تغییر می‌دانست، اما جناح دوم تقریباً اطمینان داشت که سهمی از پیروزی ندارد و فقط برای ایجاد یک رقابت گرم انتخاباتی وارد صحنه شد (آقای خاتمی در سفرهای تبلیغی به استانها چنان حرف می‌زد که گویی هرگز شانس پیروزی ندارد) اما نکته‌ای که نه جناح راست قدرت دریافت، تحلیل و درک آن را داشت و نه ،مخیلهٔ جناح چپ می‌گنجید، خواست قلبی توده‌های میلیونی مردم ایران بود. صریح‌تر بگویم، نه جناح راست شناخت درستی از خواست مردم داشت و نه جناح چپ برداشتی واقع‌بینانه از نیازها و آرزوهای ملت ایران داشت.

به همین خاطر هم انتخابات دوم خرداد ۷۶ یک «شوک» بسیار قوی سیاسی بود که هر دو جناح را به یک اندازه متعجب بلکه متحیر ساخت. جناحی که خود را در آستانهٔ ورود به قبضه کامل قدرت می‌دید، شکست فوق‌العاده سنگینی خورد و جناحی که کمترین شانس را برای خود در بدست آوردن پیروزی قائل نبود، ناگهان قدرت را در ید خود دید.

جناح راست کمترین شناختی از خواست قلبی مردم نداشت زیرا اگر داشت با آن اطمینان و اقتدار برخورد نمی‌کردو جناح چپ نیز برداشت درستی از روحیهٔ مردم ایران نداشت زیرا اگر داشت با آن همه نومیدی وارد صحنهٔ انتخاباتی نمی‌شد.

بنابراین تجربه تاریخی دوم خرداد ۷۶ بار دیگر یک حقیقت تلخ جامعه شناختی را به اثبات رساند و آن اینکه دولتمردان و دست اندرکاران سیاست روز ایران شناخت واقعی و درستی از خواست قلبی و آمالهای حقیقی مردم نداشتند.

سیر حوادث سالهای اخیر بخصوص یکسال ما بین انتخابات مجلس پنجم و ریاست جمهوری دوره هفتم و به ویژه نیمه دوم آن به گونه‌ای بود که توصیف آن همان جملهٔ «خاتمی را خدا پیروز کرد» است که بلافاصله بعد از اعلام نتایج انتخابات در صفحهٔ اول روزنامهٔ سلام نقش بست. از برخورد مرموز و اسرار آمیز با مهندس موسوی تا آخرین ساعات برگزاری انتخابات، مطلوبیت و محبوبیت جناح راست و کاندیدشان بطور عجیب و پیش بینی نشده‌ای در حال نزول بود. بخصوص از ابتدای سال ۷۶ که افول ستارهٔ اقبال کاندید جناح راست شدت بیشتری می‌گرفت، برای اکثر عناصر آن جناح نیز دیگر غیر قابل کنترل می‌نمود. به نحوی که در همان ایام در یکی از جلسات جامعه روحانیت یکی از اعضاء صریحاً خواستار کناره گیری ناطق شده بود که البته مورد مخالفت شدید خود ناطق قرار گرفت. جواب تند ناطق که در آن جلسه گفته بود: «مثل اینکه تبلیغات چند روزنامه شما را ترسانده!» راه را بر ادامه بحث در آن زمینه بسته بود ولی این می‌تواند یک درس عبرت تاریخی برای جناح راست باشد که بداند تمامت خواهی و قیم مآبی تا چه حد می‌تواند بر یک مجموعه حاکم شود و آنان را ناکام بگذارد.

اکنون که فرصت طرح ایده‌های جهانی آقای خاتمی بخصوص در زمینهٔ فرهنگ و ارتباط تمدنها و زندگی مسالمت آمیز بین‌المللی پدیدار گشت، ایشان به یک

فراموشی می‌سپرند. اینان اگر روزگاری هم ژست دمکراتیک مآبی بیگانه ستیزی می‌گیرند صرفاً از بد روزگار و جبر دوران است و هیچ اعتقادی به این دو مورد یعنی جمهوریت و استقلال نظام کشور ندارند و این امر چقدر می‌تواند برای کشور و نظام خطر آفرین باشد.

نکتهٔ دیگر اینکه به نظر نگارنده یکی از تأسف آورترین و دردآورترین آفتهای سیاسی اجتماعی کشور فعالیتهای سیاسی صدا و سیما بویژه در جریان چند مورد انتخابات اخیر است. هرچند که سنگ اول این بنای کج یعنی عملکرد سیاسی جناحی صدا و سیما در زمان تصدی محمد هاشمی در ارتباط با انتخابات مجلس چهارم گذاشته شد ولی از زمان روی کار آمدن لاریجانی گرایشات جناحی د رهمهٔ اوضاع و احوال این رسانه ملی رسوخ کرده و هر چند که به نظر می‌رسید بعد از انتخابات هفتم و ابلاغ رأی و خواست واقعی مردم، صدا و سیما تغییرات کلی در برخوردهای سیاسی خود دهد و نقشی مفید و مؤثر در راه اعتلای سیاسی و فرهنگی کشور ایفا کند و به عنوان یک وظیفه ملی به دفاع و حمایت از رئیس جمهور منتخب بپردازد، متأسفانه همچنان اسیر مدار بستهٔ هوا خواهی از جناح راست است و از آنجاکه مدیریت فعلی که خود از تئوریسینهای جناح راست هستند و ظاهراً ایمان قلبی در بکارگیری این اموال عمومی در راه مصالح جناحی

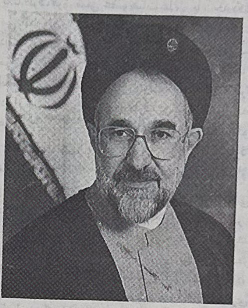
تحلیلی بر انتخابات ریاست جمهوری
یک واقعهٔ شگفت

● عبدالکریم بوالخیری

شخصیت قابل توجه فرهنگی و سیاسی در جهان تبدیل شده است. ولی تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری وسعت اندیشه و عمق تفکر خاتمی برای عدهٔ معدودی شناخته شده بود و اکثر مردم عادی حتی اسم خاتمی را نشنیده بودند. در چند ماه منتهی به دوم خرداد جلوه‌هایی از نجابت، متانت و صداقت فوق‌العاده خاتمی در برخورد با مسائل آن روز به نمایش درآمد.

این موارد قطعاً بیش از توانمندیهای سیاسی و کارآمدی اجرایی وی مورد توجه عموم مردم قرار گرفت که خود نشاندهندهٔ نوع گرایشات اصیل در کنه روحیات مردم ایران و همچنین دل‌زدگی از تشریفات، سیاسی کاری و تبختر سیاسی سالهای اخیر بود. همچنین جمع قابل توجهی از مجربترین و فنی‌ترین نیروهای سیاسی و اجرایی کشور با تلاش شبانه روزی خود از ماهها و بعضاً سالها قبل از انتخابات، مجموع جریانات را به سهم خود به نحوی عالی هدایت و بستر تبلیغاتی مناسبی را فراهم نموده بودند، به این دو مورد بیافزائیم صف شکنی دانشجویان و متعاقب آن حضور سرنوشت ساز عموم جوانان، حمایت گروهها و شخصیتهایی که با اعتبار و سابقهٔ بسیار وثیق و درخشان، همانند مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، موضع گیری مستقلانه جمع قابل توجهی از مراجع و فضلاء حوزه و بعضاً همراه با تأیید آقای خاتمی، نقش تدارکاتی کارگزاران و حضور دانشگاهیان، اهل فرهنگ و هنرمندان و ... همه اینها دست به دست هم داد تا یک واقعهٔ کاملاً غیرقابل پیش‌بینی صورت تحقق به خود بگیرد. اما نکته‌ای که البته پنهان هم نمانده است اینکه عملکرد جناح مقابل وگفته‌ها و عملکردهای نابخردانه بعضی از عوامل و عناصر وگروههای وابسته به آن نیز نقشی جدی در تحریک مردم و گرایش روزافزون آنها به خاتمی داشت.

با این اوصاف همچنان که محبوبیت و مقبولیت ناطق و جناح راست رو به کاستی داشت، منحنی اقبال خاتمی و جناح پیروان امام روندی صعودی داشت به نحوی که این دو منحنی در مقطع دوم خرداد فاصله‌ای قریب به ۱۳ میلیون رأی دهنده داشتند و شاید هم خیلی بیشتر. هر چند که راجع به جریانات منتهی به دوم خرداد گفتنی بسیار است ولی به ذکر دو نکته دیگر اکتفا می‌کنم. یکی اینکه مجموع سیر حوادث از انتخابات مجلس پنجم تا انتخابات ریاست جمهوری هفتم ظرفیت فوق‌العاده عناصر وگروههای عمده وابسته به جناح راست، را در پذیرش و اعمال استبداد و تهاجم و تخریب همه جانبه علیه غیرموافقان به نمایش گذاشت. انحصار طلبی و قیم‌مآبی در بعضی از گروهها و شخصیتهای این جناح آنقدر پررنگ است که هیچ مخالفی را تحمل نمی‌کنند حتی اگر از بین همنشینان خودشان باشد و پیوند آنها را با مجموعهٔ خود صرفاً تبعیت محض از مافوق خود بوجود آورده است. تأسف آورترین وجه این حالت این است که چنانچه کسی بخواهد اشداء بینهم باشد بالاجبار ناچار است که که رحماء علی‌الکفار شود تا بتواند تداوم داشته باشد و حکومت کند این افراد همچنانکه در داخل دچار استبداد می‌گردند در روابط خارجی کشور نیز تابع و پیرو قدرتهای بزرگتر می‌شوند و استقلال کشور را به



دارد اصلاً جای امیدواری برای اصلاح روند سیاسی آن وجود ندارد.

انتخابات ریاست جمهوری در بوشهر فضایی کاملاً متفاوت با فضای کلی کشور داشت. می‌شود گفت که اساساً عموم مردم سیاسی و خطی عمل نکردند. از آنجا که دو جناح چپ و راست در استان نیروهای خود را به شکل جالبی داد و ستد کرده بودند و اوضاع سیاسی به شدت خط تو خط شده بود، مردم و حتی خواص برای پی بردن به نظر به اصطلاح شخصیتهای سیاسی استان اصلاً نمی‌توانستند گفته‌ها و مواضع قبلی آنها را ملاک قرار دهند. این تلوّن و تذبذب رأی به حدی بود که یکی امروز پیام صادر می‌کرد که حامی خاتمی است ولی چند روز بعد کاشف به عمل می‌آمد که گفته رأی به خاتمی محاربت با خداست.

هر چند که استان بوشهر جزء اولین استانهای مورد بازدید آقای خاتمی در جریان فعالیتهای انتخاباتی ریاست جمهوری بود ولی ستاد انتخاباتی سیدمحمد خاتمی در بوشهر شاید از آخرین ستادهای تشکیل شده د ربین سایر استانها بود. این تاخیر فاز تا روز رأی گیری نیز دامنگیر فعالیتهای ستادهای انتخاباتی آقای خاتمی در استان بود به نحوی که بطور مثال دو سه روز از شروع رسمی تبلیغات گذشت ولی هنوز پوستر یا سایر تدارکات تبلیغاتی به استان و شهرستانهای آن نرسیده بود.

در بررسی انگیزه انتخاب خاتمی از طرف مردم استان با بالاترین درصد رأی در کشور ناگفته پیداست که درصد عمده‌ای از علل و عوامل همان علل و عوامل تأثیرگذار در سراسر کشور در این زمینه بوده است. ولی بخش جدی‌ای از میزان آراء خاتمی در استان مبتنی بر عوامل کاملاً غیر سیاسی و غیرجناحی بوده است که باید به شدت مورد علاقه و موشکافی قرار گیرد. آراء غیر سیاسی هر چند فراوان، هیچ تضمین و ثباتی را برای هیچ مجموعهٔ اصیلی فراهم نمی‌آورد. آراء ملون و مواج و به اصطلاح توده‌ای در ایام مختلف روزگار به راههای متفاوتی می‌رود و نتایج غیرقابل پیش‌بینی بوجود می‌آورد. البته گروهها و اشخاص دمدمی مزاج که اعتقادی استوار و محکم به مواضع خود ندارند و همچنین به اصالت رأی مردم نیز معتقد نیستند همواره با چرخش رأی توده به راحتی می‌چرخند و با تردستی خاصی سوار بر موج به راه افتاده می‌شوند و کامیاب می‌گردند. ولی این نکتهٔ بسیار با اهمیتی برای منادیان و مدافعان به حق اندیشه و فرهنگ و جامعه مدنی آقای خاتمی در استان می‌باشد که از این فضای مناسب بدست آمده حداکثر استفاده را د رجهت تنویر افکار عمومی و شفاف نمودن فضای سیاسی استان برای آندسته از آراء توده‌ای غیر سیاسی که به طور مثال معلوم نیست اگر به جای آقایان ناطق و خاتمی به ترتیب سید مرتضی نبوی و عبدالله نوری کاندید ریاست جمهوری بودند آیا واقعاً درصد آراء آنان واژگون نمی‌شد، بنمایند.

این چنین شد!

● سید عبدالله رضوی دشتی

دوم خرداد سال ۷۶ در تاریخ انقلاب اسلامی ایران بیاد ماندنی است. تا این زمان در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری تا این حد، رقابت جدی و محسوس نبوده، اما این بار یک نفر مطرح نبود بلکه طرز تفکر و اندیشه‌ها و بینش‌ها در میدان مبارزه انتخاباتی خود را نمایان ساختند. یکی از داوطلبان ماهها و شاید سالها پیش‌بینی چنین روزی کرده بود و خود را به شکلهای مختلف بخصوص به صورت سفرهای طولانی مطرح می‌کرد که بعد از آن یعنی در طول یکسال گذشته دیگر از آن سفرها خبری نیست و حتی در مصاحبه‌ای مدتها قبل از انتخابات پیروزی خود را قطعی می‌دانست و رقیب اصلی یعنی آقای خاتمی تا مدت کوتاهی قبل از انتخابات به هیچ وجه مطرح نبود. از آنجائیکه همیشه تحولات اجتماعی و سیاسی به خواست افراد بخصوصی رخ نمی‌دهد، این بار نیز چنین شد. می‌خواهم با تجزیه و تحلیل مختصری که ارائه می‌نمایم به اشتباهاتی که دیگران کردند و نتیجه‌اش را دیدند دچار نشویم، به مجموعه عواملی می‌پردازم که باعث شد جناب آقای خاتمی در کشور بالاترین درصد (۸۴/۵ درصد) رأی خود را در بوشهر بدست آورند (البته استان یزد در آمار منظور نشده)

اول، مسائل اجتماعی و سیاسی استان قبل از انتخابات. دوم، بی‌توجهی مردم به اطلاعیه‌های صادره توسط کسانی که علی‌الظاهر خود را رهبریت حرکتهای سیاسی - مذهبی استان می‌دانستند. سوم، عدم توجه مردم به خواست نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی.

* بررسی عوامل سیاسی، اجتماعی استان قبل از انتخابات ریاست جمهوری:

ریشه‌های این عوامل به مسائل چند سال پیش از انتخابات برمی‌گردد.

۱- ایجاد جوّ نامطلوب که حتی دوستان انقلاب جرأت اظهار نظر نداشتند.

۲- رابطه بازی ، باند بازی، انتصاب افرادی که هیچگونه پایگاهی اجتماعی و سیاسی نداشته و مورد حمایت شدید مرکزنشینان حامیان رقیب آقای خاتمی بودند و هیچگونه نظارتی بر کار آنان نبود و بی‌توجهی به افکار عمومی در این رابطه.

۳- حمایت شدید و غیرقابل تصور از متخلفین در استان که این مورد مانند روز برای همه روشن است. (حامیان رقیب)

۴- حمایت بی‌دریغ در دو دوره گذشته انتخابات مجلس از بعضی افراد خاص در استان توسط حامیان رقیبهای خاتمی که آنها صرفاً مسایل شخصی وگروهی خود را در استان دنبال می‌کردند.

۵- سفر پرهزینه رقیب آقای خاتمی به استان در شرایطی که مردم استان با محرومیتهای شدید مواجه بودند.

۶- بی‌توجهی به توسعه استان و دادن وعده‌هایی توسط حامیان رقیب آقای خاتمی که هرگز به وقوع نپیوست و فاصله سازندگی در استان بوشهر با سایر استانها هر روز بیشتر کرد، تا جائیکه امروز به صراحت گفته می‌شود به استان ظلم شده است.

۷- حرکتهای صوری و عجولانه در اجرای طرحهای عمرانی قبل از سفر رقیب آقای خاتمی به استان بوشهر، انجام کار شبانه‌روزی در مدت کمتر از یک ماه قبل از سفرهای مذکور و متوقف شدن طرحها بعد از سفر (از جمله جاده آسفالت بوشهر - چغادک و ...)

۸- اجرای طرحهای بدون مطالعه و بی‌حساب و کتاب و متوقف ماندن طرحها از جمله بیمارستانهای استان بوشهر

۹- عدم نظارت بر کار مدیریت اجرای ارشد استان تا جائیکه تصمیمات فردی باعث خسارتهای جبران ناپذیری به استان شد.

۱۰- ایجاد روحیه تملق‌گرایی و چاپلوسی توسط حامیان رقیب آقای خاتمی در استان.

۱۲- انتقام‌گیری حامیان رقیب از نیروهای مخالف خود در سطح استان تا جائیکه به کوچکترین مسائل جاری استان سرایت کرد. مثلاً اگر یک روستایی به امور کشاورزی نیاز داشت حتماً باید به آنان وابسته باشد یا تملق آنان را بگوید تا کارش پیش برود.

۱۲- سوء استفاده محض از مدیران دستگاههای اجرایی قبل از انتخابات ودر حین انتخابات به نفع رقیب آقای خاتمی.

۱۳- توزیع بروشورهای تبلیغاتی، مدتها قبل از ثبت‌نام انتخابات و تخلف علنی از قانون به نفع رقیب آقای خاتمی.

۱۴- جلوگیری از توزیع به موقع پوسترهای تبلیغاتی جناب آقای خاتمی که این مورد ظاهراً در تهران صورت گرفته بود.

۱۵- توهین و مقایسه‌ای ناصواب نسبت به آقای خاتمی توسط یکی از سخنرانان طرفدار رقیب بخصوص در شهرستانهای دشتی ودشتستان با توجه به اینکه مردم استان به سیادت جناب آقای خاتمی احترام خاص قائل بودند.

۱۶- سوء استفاده بعضی از آقایان از مسئله مهم و اصولی تقلید به عنوان یک حربه مذهبی در انتخابات و توجه مردم به امر تقلیدی بودن انتخابات که این امر نیز توسط یکی از بزرگان استان خنثی شد و خوشبختانه نتوانستند خواسته خود را بر مردم تحمیل کنند.

**** چرا مردم عزیز استان علیرغم داشتن بعد قوی مذهبی به اطلاعیه‌های صادره توسط روحانیت خارج از استان و مقیم قم توجه نکردند.**

عبرت گیری از انتخابات ریاست جمهوری

۱- عدم حضور بعضی از آقایان در کلیه انتخابات دورهای گذشته و وارد شدن آنها بطور ناگهانی در جریان انتخابات ریاست جمهوری.

۲- تغییر موضع سیاسی ۱۸۰ درجه‌ای چند نفر از کسانیکه تا دو ماه قبل از انتخابات موضع مخالف رقیب را داشتند و برای مردم سؤال برانگیز شد که چگونه ممکن است افرادبه این سادگی تغییر موضع دهند و یکباره به طرف دیگری گرایش پیدا کنند و مردم از خود می‌پرسیدند اینان معلوم نیست که مدت کوتاهی دیگر تغییر موضع سیاسی ندهند و مردم را بازیچه خواسته‌های سیاسی خود قرار داده باشند.

۳- عدم ارتباط آقایان با مردم در طول چندین سال گذشته قبل از انتخابات.

۴- بی‌توجهی به خواسته‌های منطقی مردم توسط بعضی از آقایان در طول چندین سال گذشته.

۵- بی‌توجهی و عدم احترام لازم توسط اکثریت آقایان خارج از استان به روحانیت معظم مقیم استان، به خیال اینکه آنها هستند که می‌توانندبرای مردم استان تصمیم بگیرند. در همین رابطه توزیع مبلغ ناچیزی پول توسط یکی از همین آقایان به روحانیت مستقر در استان (برای اولین بار) قبل از انتخابات.

۶- عوام دانستن مردم توسط یکی از همین آقایان و جوانک قلمداد نمودن طرفداران آقای خاتمی، که الحق مردم پاسخ مناسبی دارند و نشان دادند و نشان دادند که بینش سیاسی بالاتری از مدعیان مبارزه سیاسی دارند و جوانان عزیز ثابت کردند که فرزندان انقلاب هستند و با درک صحیح در مسائل تصمیم می‌گیرند.

**** چرا مردم به خواست نمایندگان خود که قبلاً به آنها را داده بودند توجهی نکردند.**

۱- برای مردم قابل توجیه و تصور نبود که نمایندگان دوره‌های قبل و فعلی که در انتخابات مجلس با دو تفکر متضاد سیاسی رو در روی یکدیگر ایستاده بودند، اینک در کنار یکدیگر، به حمایت از رقیب آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری بپردازند.

۲- طرح دو موضوع در بین مردم که یکی به مردم توصیه می‌کند مانند حُر باشید (توجه کنید آیا واقعاً در انتخابات ریاست جمهوری یک طرف امام حسین (ع) و در طرف دیگر یزید بود) که تا کنون به مسئله یاد شده پاسخ داده نشده است ودیگری به یکی از اعضای خانواده حضرت امام (ره) توهین می‌کند که تاکنون به این موضوع هم جواب داده نشده است.

۳- سوء استفاده نمایندگان استان از یکی از فرمایشات حضرت امام که اگر مردم از جامعه مدرسین پیروی نکنند دچار اسلام آمریکایی خواهند شد، یعنی در حقیقت باید به رقیب آقای خاتمی رأی داد، وگرنه اسلام مردم آمریکایی خواهد شد. اما نمایندگان استان به این فرمایش امام توجه نکردند که فرموده است آقای خاتمی فرزندی عزیز و فاضل می‌باشد، که البته مقلدین واقعی امام ثابت کردند که تحت تأثیر القائات قرار نمی‌گیرند.

۴- عدم توجه نمایندگان استان به موکلان خود و کسانیکه در انتخابات از آنان حمایت کردند و پافشاری بر نظریه شخصی خودشان.

۵- محافظه کاری نمایندگان استان، در جریانات سیاسی کشور و استان و عدم حضور فعال در مسایل جاری استان. همچنین که از پل رد شدند همه چیز را فراموش می‌کنند.

● البته آنچه به رشته تحریر درآمد مختصری از عوامل موجود در استان را نشان می‌دهد و باید به عوامل دیگر و مثبت از جمله شخصیت آقای خاتمی و برنامه‌های مترقی ودر عین حال واقع‌بین ایشان و حامیان وی و نکات دیگر از جمله تبلیغات منفی رسانه‌های گروهی، توزیع نشریات علیه آقای خاتمی، سوء استفاده از شهدا از جمله شهید بزرگوار آیةالله بهشتی و طرح مسئله لیبرالیسم و نحوه اعلام اسامی داوطلبان بر خلاف رویه همیشگی ، دخالت نیروها و شخصیت‌هائیکه می‌بایست بی‌طرف باشند ، اشاره نمود که همه دست به دست هم داد و قلب مردم را هر روز به آقای خاتمی نزدیکتر کرد.

و اما در پایان گپی خودمانی با دوستان: ۱- آنچه دیگران کاشتند ونتیجه‌اش را دیگران درو کردند انجام داده نشود و باد نکاریم که طوفان درو کنیم. ۲- دوستان عزیز، انتقاد کار خوبی است ولی تخریب جایز نیست. ۳- به بهانه دوم خرداد نیروهای اصیل و دوستداران انقلاب حذف نشوند. ۴- به فرصت طلبان میدان داده نشود، که اینها منافع خویش را بر منافع نظام ترجیح می‌دهند. ۵- دوستان آقای خاتمی وانقلاب را دوست بداریم و با مخالفین با مدارا رفتار کنیم.

جذب نخبگان

جوابیه دانشگاه خلیج فارس بوشهر به مقالهٔ «فرار مغزها از دانشگاه بوشهر»

و هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دلها همه مسئولند. (قرآن کریم)

چندی قبل در پیش‌شماره هفته نامه نسیم جنوب تحت عنوان "فرار مغزها از دانشگاه بوشهر" به قلم یکی از دانشجویان! به چاپ رسید.جهت تنویر افکار و رفع شبهات ایجاد شده در اذهان عموم به ویژه آن دانشجوی محترمی که بدون توجه به پیام قرآن (که در بالا بدان اشاره شد) صرفاً از روی احساسات و با تکیه بر شنیده‌های ناسنجیده با اشاعه اطلاعات تحریف شده خود، اذهان و افکار جامعه را مشوّه نموده است، مطالب زیر به آگاهی عموم می‌رسانند.

الف - نویسنده در یک طبقه بندی کاذب، استان بوشهر را «درجه سوم یا همان جهان سومی» نامیده که بعضاً «اتفاقات نادری» (البته اتفاقاتی که ناشی از عقب‌ماندگی جهان سومی‌ها است) در آن به وقوع می‌پیوندد، که در این میان دانشگاه خلیج فارس به ادعای این نویسنده در راس این هرم جای دارد. در این افترا چند توهین آشکار به موطن عزیز همه مردم متدین و با صفای استان و به دانشگاه شده است، از تشبیه استان به «جهان سومی» (که نوعاً مفاهیمی چون عقب‌ماندگی فرهنگی، سیاسی ، اقتصادی و ... را به اذهان القاء می‌کند) گرفته تا وقوع «اتفاقات نادر» در آن ودر دانشگاه بزرگ آن استان، که لابد این اتفاقات خارج از قواعد و موازین جامعه مترقی و انسانی است و گرنه «نادر» به شمار نمی‌آمدند. نکته دیگر اینکه نویسنده قبل از هرگونه اثبات مدعای خود، کوهی (هرمی) از «اتفاقات نادر» را در استان فرض کرده و با جسارت هر چه تمامتر به ساحت مقدس دانشگاه حمله نموده‌وآن‌رادررأس قله کوه‌اتفاقات نادر(رأس هرم) جای داده‌است.

ب- در بخشی دیگر، از این دانشگاه به عنوان «بستر عجیب‌ترین وقایع عصر حاضر در کشور» یاد شده و نمونه‌هائی برای نشان دادن مصداق آن «عجیب‌ترین وقایع» ذکر شده از جمله انحلال انجمن اسلامی دانشجویان و فراری دادن مغزها. البته ما معتقدیم که این دانشگاه صحنه و بستر وقایع عجیبی (اگر نگوئیم عجیب‌ترین وقایع) در سطح استان در سالهای اخیر بوده است، ولی نه آنگونه که نویسنده ناآگاه پنداشته، و نه با آن مصادیقی که وی توهم کرده است، بلکه می‌گوئیم دانشگاهی که در طول فقط پنج سال راهی بس طولانی را طی نموده ودر همه ابعاد کمی و کیفی رشد چشمگیر و جهشی داشته، بدیهی است که مظهر عجیبترین تحولات در عرصه سازندگی استان به شمار آید. دانشگاهی که در سال ۱۳۷۱ با یک الی دو کادر هیأت علمی و قریب ۶۰ نفر دانشجو در قالب فقط دو رشته مهندسی با امکاناتی بسیار ناچیز و محدود فعالیت آموزشی و پژوهشی خود را آغاز نموده اینک با بیش از ۸۰ کادر هیأت علمی مربی و استادیار و بیش از ۳۰۰۰ نفر دانشجو در قالب ۴ دانشکده و یک مرکز تحقیقاتی مستقل، با ۱۸ رشته، در مقطع کاردانی (یک رشته)، کارشناسی (۱۴ رشته) و کارشناس ارشد معادل (سه رشته)، وکارنامه درخشان قبولی ۶۵ درصد آزمون کارشناسی ناپیوسته رشته کتابداری، ۳۳ درصد و ۵۷ درصد به ترتیب در آزمون کارشناسی ارشد رشته‌های مهندسی عمران و مکانیک، و فعالیتهای گسترده پژوهشی، و توسعه روزافزون فضاهای آموزشی و خوابگاهی در قالب طرحهای عمرانی با بیش از ۳۷۹۰۰ متر مربع در دست احداث، به لطف و یاری خداوند بزرگ نویدبخش تحقق آرزوی دیرینه مردم مؤمن و فرهنگ دوست بوشهر، یعنی دانشگاه جامع خلیج فارس می‌باشد.

البته و صد البته چنین رشدی با آن آهنگ سریع، بارزترین مصداق برای تحولات شگرف دهه هفتاد در استان به شمار می‌آید. و اما مصادیقی که نویسنده محترم توهم نموده، بطلانش روشن است، چرا که اولاً انجمن اسلامی دانشجویان هرگز دچار انحلال نگردیده، بلکه به علت ناکافی بودن مدارک جهت اخذ مجوز رسمی (براساس آئین‌نامه تشکلها مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) برای مدتی کوتاه تا زمان اخذ مجوز رسمی بطور موقت فعالیتهای انجمن دچار وقفه شد، که بعد از آن با پیگیری ودرخواست مؤسسان انجمن،«هیأت سه نفره» ذی ربط مجوز رسمی برای آنها صادر نمود، و اینک مدتها است که فعال می‌باشد. و اما اساس کلام (یا بهتر بگوئیم مرکز ثقل تهمتها و افتراهای نویسنده) یعنی آنچه به زعم ایشان «فراری دادن مغزها» از این دانشگاه تلقی شده، این سخن از عجایب روزگار است، چرا که دانشگاهی که تا کنون تمام تلاش خود را برای جذب نخبگان و «مغزها» بکار برده ودراین راه بحمدالله موفقیتهای شایانی نیز بدست آورده اینک با ذکر چند نمونه، آن هم بدون اطلاع کافی از کم و کیف قضایا و بدون آگاهی از روند قانونی جذب و استخدام هیأت علمی، متهم به فراری دادن مغزها می‌شود!!! در این خصوص تذکر چند نکته مهم لازم است:

۱- ثبات برنامه‌ریزی آموزشی و حفظ کیفیت علمی ایجاب می‌کند تا دانشگاه بر اساس سیاست کلان خود، بر تکمیل کادر هیأت علمی تمام وقت تکیه نماید و بجز موارد ضروری، از اساتید حق‌التدریس استفاده نکند. بر همین اساس معاونت آموزشی دانشگاه در چند سال اخیر با توجه به سیاست مذکور، تلاش خود را د رجهت جذب اساتید تمام وقت بکار برده است.

۲- آقای دکتر مشفقیان عضو هیأت علمی رسمی و تمام وقت دانشگاه شیراز می‌باشد که به جز مدتی که سرپرستی دانشکده مهندسی،آن هم با حضور یک یا دو روز در هفته بر عهده داشتند (به صورت مأمور از دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۷۲-۷۱ و نیمسال اول ۷۳-۷۲)و در ضمن به تدریس برخی از دروس آن دانشکده نیز اشتغال داشتند، دراواخر سال ۱۳۷۲ بنا به درخواست شخصی خود با دانشکده مهندسی قطع ارتباط نمودند، و تا کنون نیز نه تنها رسماً اعلام همکاری نکرده‌اند،بلکه در صورت اعلام همکاری آن دانشکده و به ویژه گروه مهندسی شیمی با آغوش باز از همکاری ایشان استقبال خواهند نمود. بنابراین آنچه نویسنده ادعا کرده که اشکال تراشی مسؤلان دانشکده مهندسی، مانع از همکاری نامبرده با آن دانشکده شده کذب محض می‌باشد.

۳- آقای دکتر ایمان غلام‌پور که نویسنده از وی به عنوان «استاد دانشگاه صنعتی شریف» یاد کرده، اولاً دانشجوی دکترای آن دانشگاه است نه استاد آنجا، لذا آخرین مدرک رسمی تحصیلی وی «کارشناسی ارشد» می‌باشد، ثانیاً نامبرده نه تنها سمت «استادی» آن دانشگاه را ندارد، بلکه اساساً جزو کادر هیأت علمی آنجا نیز نمی‌باشد، مضافاً اینکه بر اساس آئین نامه شماره ۴۲/۴/۷۹۴۳۱ مورخ ۷۴/۲/۲۶ معاونت محترم دانشجوئی وزارت فرهنگ و آموزش عالی نامبرده به عنوان دانشجوی بورسیه آن وزارت می‌باشند که با پیگیریهای مسؤلان دانشگاه طی نامه شماره ۴۲/۴/۷۹۴۳۱ مورخ ۷۴/۲/۲۶ محل خدمت ایشان پس از اتمام تحصیلات، دانشگاه خلیج فارس تعیین گردیده است. ثالثاً د رحال حاضر جهت تدریس دروس مرتبط با تخصص ایشان (حدود هفت واحد)، دانشکده مهندسی از یک نفر عضو هیأت علمی تمام وقت استفاده می‌نماید، که انشاءالله پس از اتمام دوره دکترای نامبرده، این دانشگاه یقیناً از خدمات و تخصص ایشان بهره‌مند خواهد شد.

۴- آقای دکتر حمیدرضا میمنی که نویسنده از وی به عنوان «استاد دانشگاه تهران» یاد کرده اولاً، استاد دانشگاه تهران نبوده بلکه در استخدام رسمی وزارت آموزش و پرورش بوده، علیرغم تلاشهای مسؤلان دانشگاه در جهت انتقال وی به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و نهایت به دانشگاه خلیج فارس، متأسفانه موفقیتی در این راه حاصل نشد و وزارت آموزش و پرورش علیرغم قول همکاری متقابل این دانشگاه به آن وزارت، با انتقال ایشان موافقت نکرد. مکاتبات انجام شده از طرف دانشگاه در خصوص آقای دکتر میمنی (موجود در دبیرخانه این دانشگاه)، بیانگر ادعای کذب نویسنده می‌باشد.

بنابراین هیچگونه اشکال تراشی و مانعی برای همکاری تمام وقت نامبرده با این دانشگاه وجود نداشته و ندارد.

۵- آقای سید جعفر حمیدی عضو هیأت علمی رسمی دانشگاه شهید بهشتی، به جز دو الی سه نیمسال تدریس درس فارسی عمومی به صورت حق‌التدریس، هیچگونه درخواستی مبنی بر انتقال به دانشگاه خلیج فارس و عضویت د رهیأت علمی این دانشگاه ارائه نکرده‌اند. حال چگونه نویسنده از سر ناآگاهی، این دانشگاه را متهم به فراری دادن ایشان می‌کند؟!! آخر مگر یک دانشگاه تا کی می‌تواند نظام آموزشی خود را بر محور مدرس مدعو اداره نماید؟ در حال حاضر نیز دانشکده ادبیات و علوم انسانی برای ارائه درس فارسی عمومی از یک نفر مدرس تمام وقت استفاده می‌کند و با توجه به سیاست دانشگاه د رجذب هیأت علمی تمام وقت، همه دانشکده‌های تابعه وظیفه خود می‌دانند که در این راستا هماهنگ با سیاست مذکور عمل نمایند.

ج/ در بخش دیگری از نوشته نویسنده که خود را متاسفانه دانشجو معرفی کرده، به ساحت مقدس مدرسان شریف، پرتلاش و دلسوز این دانشگاه اهانت کرده، و با بیانی تحقیرآمیز از آن‌ها به عنوان «یکسری فوق‌لیسانسهای تازه فارغ التحصیل شده» یاد کرده است. زهی بی‌انصافی و مرحبا به این هدیه‌ای که در ایام «هفته بزرگداشت مقام معلم» نثار معلمان خود نموده است!!

از طرف دیگر وی از عدم وجود مدرس با مرتبه «استادی» در دانشکده مهندسی شکوه کرده، و از میان مدرسان فوق‌لیسانس نیز فقط یک الی دو نفر را دارای مرتبه مربی دانسته است!!

در این رابطه ذکر چند نکته لازم است:

۱- روند روبه رشد دانشگاه خلاف ادعای کذب نویسنده را اثبات می‌کند بطوریکه هم اکنون بیش از هشت نفر دیگر نیز دانشجوی دوره دکتری هستند که برخی از آن‌ها در شرف فارغ‌التحصیلی‌اند. همچنین پنج نفر دیگر نیز در دوره دانشوری به تحصیل اشتغال دارند که پس از اتمام دوره به یاری خداوند موفق به اخذ درجه دکتری خواهند شد. علاوه بر این بیش از پانزده نفر دیگر نیز از دانشجویان دوره دکترای داخل و خارج کشور به صورت سهمیه مربیان آزاد، به عنوان بورسیه این دانشگاه جایابی شده‌اند که برخی در شرف اتمام تحصیل و برخی نیز در حال اعزام به خارج می‌باشند.

۲- جای بسی تعجب و تأسف است برای نویسنده ناآگاهی که از یک طرف فرق میان عضو هیأت علمی با درجه دکترا و «استاد» را می‌داند، ولی در عین حال «دانشجوی دوره دکترا» را «استاد دانشگاه» می‌نامند. اگر ملاک این باشد که وی پنداشته، پس می‌توان ادعا کرد که در این دانشگاه حداقل نوزده نفر با درجه استادی به تدریس اشتغال دارند! که صد البته هرگز ما چنین ادعائی نکرده و نداریم. از طرف دیگر به ایشان که از عدم وجود هیأت علمی با درجه «استادی» شکوه می‌کنند می‌گوییم:مگر چند سال از عمر این دانشگاه می‌گذرد که وی توقع دارد هیات علمی آن دارای درجهٔ «استادی باشند؟ یقیناً این توقع از سر ناآگاهی نویسنده به مراتب و درجات اعضای هیأت علمی دانشگاه و چگونگی ارتقاء آنها از یک مرتبه به مرتبه بالاتر است وگرنه چنین شکوه نمی‌کرد. چرا که برای تحصیل درجه «استادی» آن هم در صورتی که عضو هیات علمی دارای مدرک دکترای تخصصی نامه (Ph.D) باشد. بر اساس آئین ارتقاء، حداقل پنج سال سابقه آموزشی و پژوهشی در مرتبه دانشیاری به علاوه شرایطی دیگر لازم است، که معمولاً برای نیل به این درجه در همه دانشگاههای کشور، عضو هیأت علمی می‌بایست مدت زمان زیادی را صرف تدریس و پژوهش نماید، و چه بسیار دانشیارانی که تا زمان بازنشستگی موفق به اخذ درجه «استادی» نمی‌شوند. حال نویسنده توقع دارد پس از گذشت فقط پنج سال از عمر این دانشگاه، اعضا هیأت علمی آن، موفق به اخذ درجه «استادی» شده باشند. نکته‌تعجب‌آور اینکه چگونه نویسنده خود را دانشجو می‌نامد، د رحالیکه از میان ۱۵ نفر اعضای هیأت علمی تمام وقت (با مدرک کارشناسی ارشد) دانشکده مهندسی، فقط یک الی دو نفر را دارای مربی می‌داند؟!! البته این هم یقیناً ناشی از ناآگاهی و عدم اطلاع ایشان از مرتبه‌های اعضاء هیأت علمی دانشگاه می‌باشد. لازم به ذکر است که هر عضو هیأت علمی دارای مدرک کارشناسی ارشد، دربدو استخدام با درجه «مربی» مشغول به کار می‌شود. لذا تمام اعضای هیأت علمی فوق‌لیسانس این دانشگاه دارای درجه مربی هستند.

۳- نکته مهم دیگر این است که «فرار مغزها»! وقتی معنی پیدا می‌کند که این دانشگاه به علل مختلف اعضای هیأت علمی تمام وقت خود را از دست بدهد و روند جذب هیأت علمی آن رشد منفی داشته باشد، درحالیکه به شهادت همه حقیقت جویان و اهل خرد و انصاف و به زبان آمار و ارقام می‌توان گفت:نه تنها چنین «اتفاق نادری»! در این دانشگاه به وقوع نپیوسته، بلکه به لطف و یاری خداوند سبحان رشد و توسعه کمی و کیفی دانشگاه در همه ابعاد کاملاً مشهود است. منتها به شرطی می‌توان آن همه رشد و ترقی را دید که اندکی غبار جهل را از روی دیدگان بزدائیم و عادلانه و مستقلانه - بدور از جوهای کاذب - حقایق و واقعیتها را آن‌گونه که هستند ببینیم نه آنگونه که خود می‌خواهیم واحیاناً دیگران می‌خواهند. «روابط عمومی دانشگاه خلیج فارس»



علی دشتی ، نوحه‌خوان قدیمی بوشهر:

زمانی‌که من شروع کردم حتی بخشو نیز نمی‌خواند،

علی دشتی با ۶۳ سال سن از باسابقه‌ترین نوحه‌خوانان بوشهری می‌باشد. وی در کنترل سینه و همچنین در اجرای مولودیهای اصیل بوشهری از بهترین نوحه‌خوانان کنونی بوشهر محسوب می‌شود، و دارای صدایی بسیار زیبا و حزن انگیز می‌باشد. با او گفتگویی انجام داده‌ایم که در زیر می‌خوانید.

□ آقای دشتی، لطفاً برای خوانندگان نسیم جنوب بفرمائید از چه زمانی و به چه علت نوحه‌خوانی را شروع کردید و چه سبکی را دنبال می‌کنید؟

● بنده از ۱۴ سالگی به نوحه‌خوانی علاقمند شدم و از همین سالها به خواندن نوحه‌های پا منبری پرداختم تا اینکه در سال ۴۲ بطور جدی با نوحه‌خوانی در مسجد شیخ سعدون کوتی وارد این قضیه شدم و اینها به علت علاقهٔ شدید من به نوحه‌خوانی و تشویق مرحوم پدرم بود. در خصوص سبکی که دنبال می‌کنم باید بگویم آن زمان که من شروع کردم حتی مرحوم بخشو نیز نمی‌خواند، فقط آوای خوش و سبک زیبای مرحوم محمد شریفیان مرا مجذوب کرد و از آن پس تا کنون شیوهٔ او را دنبال کرده‌ام و آن را به عنوان کاملترین سبک می‌دانم.

□ شما با این سابقه چه ابتکارات و نوع‌آوریهایی را در خواندن به وجود آورده‌اید؟

● من در نوحه‌خوانی ضمن اینکه همواره یاد و نام عزیزان نوحه‌خوان را گرامی می‌داشتم، آهنگهای آنان را با نهایت دقت پیاده می‌کردم و این فکر می‌کنم بزرگترین خدمت من در حفظ و اشاعهٔ نوحه‌خوانی باشد. به غیر از این من شعر و آهنگهایی نیز تنظیم کرده‌ام که می‌توانم به «ای یوسف ثانی / ای شبیه پیامبر / رو جانب میدان ای زادهٔ حیدر» و «ای اکبر لیلا - تاج سر لیلا / مادر به فراغت خون شد دل لیلا» و «اکبر روان شد - چون سوی میدان / لیلا به گفتا با چشم گریان / یوسف صفت مادر مرو...» و چند آهنگ دیگر اشاره کنم.

□ روی آهنگ اول شما هیچ جای سؤال به نظر نمی‌رسد و خیلی عالی بود ولی در مورد آهنگ دوم خدمتتان باید عرض کرد که در هفتهٔ گذشته آقای امیر کردی‌زاده در مصاحبه با ما آن را به مرحوم «بخشو» نسبت داد در حالیکه کتاب «مجموعه نوحه‌های عزاداری سنتی بوشهر»آقای وحدتیان به نام مرحوم مهیمنیان ثبت شده است، نظر شما در این مورد چیست؟.

● من تعجب می‌کنم با اینکه آقای وحدتیان دفتر نوحهٔ من را در اختیار داشت، چرا در این مورد دقت نداشته است. این آهنگ و شعر کار من است و خودم به مرحوم بخشو دادم و او مدتی نیز بدون تخلص می‌خواند و بعدها آن را با تخلص کردی‌زاده اجرا کرد.

□ در مورد آهنگ نوحهٔ سوم شما که الان گفتید، به نظر من اصالت لازم را ندارد، می‌توانید در خصوص آهنگ آن توضیح دهید.

● درست است، این آهنگ را از آهنگی معروف به «آقای ناصرخان» گرفته‌ام. به دلیل اینکه فکر می‌کنم باید آهنگهای ما در نوحه‌خوانی همخوانی داشته باشد. ولی من به غیر از این، آهنگهایی که کار خودم باشد نیز دارم و اجرا می‌کنم.

□ آقای علی دشتی، چرا این نوحه را در کتاب اخیر در همین زمینه، بی‌نام و نشان ثبت کرده‌اند؟

● نمی‌دانم، باید بررسی شود.

□ در پایان برای نوحه‌خوانهای جدید بوشهری چه صحبتی دارید؟

● در خواندن نوحه دقت زیادی داشته باشند، تخلصها را در نوحه خواندن رعایت کنند و همواره پیرو استادان نوحه‌خوانی باشند. سعی کنند فقط برای رضای خدا نوحه‌خوانی کنند نه چیز دیگر.

□ متشکریم و امیدواریم که همیشه موفق باشید.

● من هم از شما و نسیم جنوب بخاطر این نمونه گفتگوها که باعث روشن شدن بعضی مسائل در نوحه‌خوانی می‌شود و همینطور بخاطر معرفی نوحه‌خوانان متشکرم و قدردانی می‌کنم.

جواب مولف کتاب «نوحه‌های عزاداری بوشهر» به نوحه‌خوان بوشهری، امیرکردی‌زاده

هرگونه انتقادات بی‌مورد را جواب خواهم داد.

«عبدالرحیم وحدتیان»

در هفته نامه گذشته نسیم جنوب آقای امیرکردی‌زاده ضمن ارائه نظرات خود به اشکالات و معایب کتاب اینجانب اشاره کرده و مدعی انتصاب ۳ نوحهٔ "ای اکبر لیلا - ای احمد مختار - شیعیان ماه محرم به جهان گشت بپا" به پدر خود (مرحوم بخشو) شده است و نیز جنبهٔ ۳ سال تحقیق و بررسی اینجانب را انکار کرده و به صورت غیر منطقی برای مردم شرح دادند. لذا چون ایشان یکی از برجسته‌ترین مداحان بوشهر!؟ هستند و ممکن است گفته‌های ایشان باعث تشویش خاطر عموم گردد، لازم می‌دانم جهت دفاع از ارزش و حیثیت این کتاب مطالبی را به اطلاع مردم برسانم.

۱-در مورد جنبهٔ تحقیقی کتاب اولاً بنده گفته بودم ۳ سال صرف تحقیق - تنظیم و گردآوری چاپ کرده‌ام (نه تحقیق تنها) و کسانی هم که در جریان تحقیق کامل بنده هستند آقایان سیدجواد عین‌الملک، علی دشتی، مصطفی گراشی، حسین خرمائی، باقر آرامی، می‌باشند.

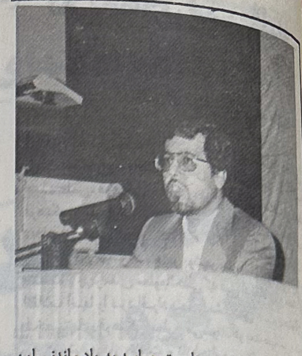
۲-در خصوص امانت‌داری کتاب باید عرض کنم که یکی از اهداف مهم بنده ضایع نشدن حق سراینده و یا آهنگساز هر نوحه بوده و در تحقیق خود ملاک را بر اجماع گذاشته‌ام (رأی اکثریت)

۳-در رابطه با نوحهٔ "شیعه ماه غم آمد" که ایشان به آن اشاره نموده‌اند، از مردم می‌خواهم به صفحه ۱۰۸ کتاب مراجعه نموده و بررسی کنند که کجای این نوحه و یا کلاً در کدام نوحه نامی از نوحه‌خوان مذکور (مراجعه شود به شماره قبل هفته‌نامه) آمده است. ذکر این نکته ضروری است که مدارک و اسناد معتبر از سراینده و یا آهنگساز نوحه نبوده و این را نیز می‌پذیرم که اشتباهات حروفی در بعضی اشعار وجود دارد که در آینده آنها را اصلاح می‌نمایم. در رابطه با آن ۳ نوحه که آقای کردی‌زاده به پدر خود نسبت داده، باید عرض کنم تا آنجا که ما یاد داریم و از گذشته و حال از زبان بزرگان شنیده‌ایم تا به حال هیچکس کلامی در مورد اینکه مرحوم بخشو، شاعر و یا آهنگساز بوده بر زبان نیاورده و همیشه اشتهار مرحوم بخشو به صدای یگانه و زیبای ایشان بوده و اکنون که فرزند وی چنین ادعایی دارد باید شواهد متقن برای گفته‌های خویش دال بر اینکه ۳ نوحه مذکور از آنِ پدرش می‌باشد ثابت نماید. چون نوحه‌های "ای اکبر لیلا" و "شیعیان ماه محرم به جهان گشت به پا" به استناد شواهد و اجماع نظرات و نیز دست نوشته،مربوط به مرحوم سیدعلی مهیمنیان می‌باشد. و همچنین نوحهٔ "احمد مختار" در ۵۰ سال قبل موجود بوده و از اجراهای مرحوم علیباش خرمایی و مرحوم احمد زبردست بوده است.

در مورد واحد "بنموده یاری" بگویم که آقای حیدر شریفیان آهنگساز نبوده و آهنگ مذکور برگرفته از یک ترانهٔ کُردی است. فقط آقای شریفیان این آهنگ را چند سال قبل بر روی نوحهٔ (وفات پیمبر) گذاشته و اجرا کرده و بعد از آن آقای گراشی سروده‌ای از خود را با آن آهنگ اجرا کرده و این دو هیچ ارتباطی به یکدیگر ندارند. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که آقای حیدر شریفیان باید خود از ادعایش دفاع نماید. در پایان با تشکر و قدردانی از هفته‌نامه نسیم جنوب از آنان می‌خواهم که ضمن تحقیق و اطمینان حقایق را همانطور که هست عنوان نموده و از هرگونه اغراق و مبالغه و قهرمان کردن افراد پرهیز کرده، پسوند (تر و ترین) را درجای خود استفاده نمایند، زیرا خوانندگان آنچه را که در مورد فردی درج شود از وی می‌خواهند و نتیجتاً اگر آن فرد نتواند عین گفته‌ها را عمل نماید، حتماً از نظر شخصیت و تخصص ضربه خواهد خورد و گناه این کار هم به گردن شما مطبوعاتی‌ها می‌باشد.

استاندار بوشهر در جمع جوانان:

در ادارات و مراکز آموزشی هیچ الزامی برای پوشیدن چادر وجود ندارد.



در روز دوم خرداد و به مناسبت حماسه به یاد ماندنی این روز، دکتر ابراهیم انصاری، استاندار بوشهر در جلسه‌ای با حضور جوانان شرکت کرد وبه سوالات آنان پاسخ داد.استاندار بوشهر در پاسخ به سوالی به این مضمون که چرا با وجود هوای بسیار گرم و امکان ابتلاء به انواع بیماریهای پوستی و قارچی خانمهای جوان دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر مجبور به پوشیدن چادر می‌باشند؟ مگر مانتو و مقنعه بلند نشانهٔ پوشش اسلامی نیست؟اظهار داشت: مفهوم این سوال این است که آیا در مراکز آموزش ما چادر مگر اجباری است؟ من این را اول سؤال می‌کنم که آیا در دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر چادر پوشیدن اجباری است؟ (حضار به این سؤال جواب مثبت دادند) من همین جا خدمت شما اعلام می‌کنم که همچنان که از زبان مسئولین بلندپایه کشور اعم از مقام معظم رهبری و بقیه مسئولین بارها شنیده‌ایم چادر حجاب مطلوب ما است اما منحصر به فرد نیست و حجاب در چادر خلاصه نمی‌شود و همین جا به عنوان یک بخشنامه شفاهی به همه مسئولین اجرایی استان، رؤسای دانشگاهها و مدیرکل آموزش و پرورش و رؤسای واحدهای آموزشی اعلام می‌کنم که به هیچ عنوان حق ندارند خواهران را به داشتن پوششی بنام چادر الزام نمایند.(تشویق حضار) آنچه که الزام و اجبار است حجاب برای ما به عنوان مسلمانان متعهد و متدین لازم‌الرعایه است، اما اینکه مصداق این حجاب چادر باشد یا مانتو و شلوار این را باید به اختیار خود خواهران گذاشت و هیچکس نمی تواند خواهری را الزام به پوشش چادر نماید و از روز یکشنبه همه کسانی که خود را ملزم به پوشش چادر می‌دانند می‌توانند با حجاب متعارف که می‌تواند مانتو و شلوار باشد رفت و آمد کنند در واحدهای آموزشی، و اختیار با خود آنها است.

▫ آقای استاندار لطفاً این حرف خودرا بصورت مکتوب اعلام نمائید؟

● شفاهی هم قبول است ولی فردا کتبی می‌شود.

▫ شما جهت تشویق و ترغیب پوشش ملی یعنی چادر آن را بی‌رنگ می‌کنید و عزیزان خواهر با شنیدن چنین صحبتی شاد می‌شوند آیا سفارش همه شهدا سفارش به چادر نیست؟

● همنطور که عرض کردم حجاب مطلوب ما چادر می‌باشد اما هیچ الزامی برای پوشیدن چادر وجود ندارد. صریحاً عرض می‌کنم درست است سفارش همه شهدای ما و سفارش خود بنده هم به عنوان یک مسلمان به همهٔ شما این است که چادر را به عنوان یک حجاب مطلوب برگزینید وانتخاب نمائید و تحمل بکنید و ببینید جهات مطلوبیت و برتری چادر چیست؟ اما هیچکس و در هیچ جا نمی‌تواند خواهری را ملزم به پوشیدن چادر نماید به عنوان حجاب آنچه که در جامعهٔ اسالامی ما الزامی است رعایت حجاب متعارف و حجاب اسلامی است. (همراه با دست زدن مدعوین)

▫ لطفاً در مورد خبر هفته نامه نسیم جنوب در هفته گذشته که در خصوص حضور نیافتن شما برای دومین بار در جلسه با صدا سیما که به گفتهٔ هفته‌نامه دلیل شما غیرموجه بوده است و اگر این مطلب صحیح است توضیح دهید و اگر نیست چرا اجازه می‌دهید آنها اینچنین بنویسند؟

● صحیح بودن یا صحیح نبودن آن اصلاً بحث ما نیست اما نکتهٔ مهم که چرا اجازه می‌دهید هفته‌نامه اینچنین بنویسند باید بگوییم که اجازه هفته نامه دست ما نیست و قرار هم نیست که ما به هفته نامه امر و نهی کنیم نشریه‌ها باید در چهارچوب قانون مطبوعات آنچه که می‌خواهند بنویسند و این خودش یکی از مظاهر آزادی است که همهٔ ما به دنبال آن هستیم و بقیه آن برمی‌گردد به اینکه متولیان یک نشریه با دقت و وسواس مسئولانه بتوانند تشخیص بدهند چه مطالبی را باید بنویسند و چه مطالبی را نباید بنویسند. اما در چارچوب قانون مطبوعات قاعدتاً نشریه‌ها مجاز هستند که هر چیزی را بنویسند.

(در همین هنگام نوشته‌ای از طرف آقای زرین‌فر مدیرکل آموزش و پرورش استان، توسط مجری برنامه بدین شرح قرائت گردید:

در مورد الزام حجاب می‌توان اشاره نمود که این موضوع مربوط به سالهای جبهه و جنگ بوده و ریشه در فرهنگ مذهبی بوشهر حتی پیش از انقلاب بوشهر داشته و با الهام از فرمایشات رهبری ودستورالعملی که چند سال گذشته بود مبنی بر اینکه در استانهایی که چادر نداشتن، مساوی یا قریب به بی‌حجابی تلقی می‌گردد، آموزش و پرورش آن استان یا آن منطقه را مجاز دانستند که از پوشش برتر به عنوان پوشش دختران متوسطه و راهنمایی استفاده نماید ضمن اینکه ما از نقطه نظر استاندار محترم نیز استقبال نموده ولی موضوعی که سالهای طولانی اجراگردیده به نظر می‌رسد بهتر این است که به عنوان پیشنهاد در شورای فرهنگ عمومی استان مطرح و به بحث و بررسی گذاشته شود.)

> **○ استاندار بوشهر :به همه مسئولین اجرائی استان ، روسای دانشگاههاو مدیر کل آموزش و پرورش و روسای واحدهای آموزشی اعلام می‌کنم که به هیچ عنوان حق ندارند خواهران را به داشتن پوششی به نام چادر الزام نمایند**
>
> **● جانشین فرمانده سپاه ناحیه خطاب به استاندار : شما می‌خواهید با این مانتوهای چاکی ،فردا واقعاً چادر رابردارید**
>
> **■ یکی از مسئولین دانشگاه آزاد: دانشگاه آزاد،قید اسلامی دارد و بهمین سبب بخشنامه داریم که چادر در دانشگاه آزادالزامی است**
>
> **○ استاندار:بخشنامه دانشگاه آزادباعث به ستوه آمدن دانشجویان از چادر شده**

پس از قرائت این جواب استاندار اظهار داشت :

خیلی متشکر از صحبتهای آقای زرین‌فر مدیر کل آموزش و پرورش به نظر من باز اصل قضیه همچنان به قوت خود باقی است اگر که در بوشهر چادر نپوشیدن و فرض بفرمائید پوشیدن مانتو و شلوار به عنوان بی‌حجابی تلقی می‌شود که من بعید می‌دانم که یک چنین چیزی وجود داشته باشد اگر این احراز بشود صورت مسئله عوض می‌شود و خود احراز این مطلب به مقدماتی نیاز دارد که من همین الان می‌توانم عرض بکنم که بعید است و تعلیق به محال است که یک چنین امری.در هرحال اصل موضوع که ۱ـ چادر حجاب مصون و حجاب برتر ۲ـ تمام توصیهٔ ما به اینکه خواهران ما چادر را به عنوان حجاب انتخاب نمایند ۳ـ هیچکس را الزام نمی‌کنیم که حجاب را در چادر خلاصه بکند. این چیزی است که با جلسهٔ شورای فرهنگ عمومی و تصمیمی که از هر جای کشور گرفته بشود قابل لغو نیست و تا حالا هم ما از مراجع بالای کشور بخصوص مقام معظم رهبری هیچ الزامی و هیچ فرمایشی دال بر الزام خواهران به رعایت حجاب در شکل چادر نشنیده و ندیده‌ایم.

پس از این سخنان استاندار، یکی از از مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی بنام جمالزاده در ارتباط با حجاب اسلامی گفتند: تقریباً دوسال پیش مقام معظم رهبری در گردهمایی که روسای واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی داشتند فرمودند که اگر از بنده بخواهند حجاب برتر را در سطح جامعه اجباری نمایم یک همچنین کاری را نخواهم کرد اما چون دانشگاه آزاد اسلامی قید اسلامی دارد به رئیس آن توصیه می‌کنم که سعی کنند حجاب برتر را در جامعه رونق دهند وتشویق نمایند، بر همین حساب ما در حال حاضر دستورالعملی داریم که حجاب برتر در دانشگاه الزامی است و همانطور که در بدو ثبت نام تشریف می‌آورند طی فرمی که به آنها می‌دهند تعهدی از آن‌ها می‌گیرند. چرا که دانشگاه آزاد اسلامی قید اسلامی دارد و دستوالعملی است که از سازمان مرکزی به ما ابلاغ نموده‌اند و با توجه به فرهنگ استانهایی که اشاره شد من فکر می‌کنم لزوم است که به این مسئله توجه شود - در همین هنگام استاندار ضمن قطع صحبتهای وی چنین گفتند: ایشان اشاره خیلی خوبی کردند که مقام معظم رهبری از دانشگاه آزاد اسلامی و ریاست دانشگاه خواستند که چون دانشگاه قید اسلامی دارد تلاش بکند برای تشویق و رونق حجاب برتر در سطح جامعه، به نظر بنده بخشنامه‌ای که سازمان مرکزی دانشگاه آزاد برای اجباری کردن حجاب برتر، یک قدم اساسی در خلاف جهت صحبتهای مقام معظم رهیری بوده‌است، طوری که دانشگاهیها و دانشجویان دانشگاه آزاد را نه تنها تشویق نکرده و رونق نداده حجاب برتر را، بلکه بی‌جهت باعث به ستوه آمدن دانشجویان از حجاب برتر شده (تشویق و تصدیق حضار حاضر درسالن) همهٔ بحث ما دراین است که رونق دادن و هدایت کردن جامعه به سمت یک ارزش برتر مفهومش تحمیل آن ارزش برتر نیست. باید این برتری را من با جان و دلم حس کنم، شما چه قدمی برداشته‌اید که من این برتری را با جان و دل حس کنم؟ شما چه قدمی برداشتید که خواهران ما در دانشگاه حس بکنند و درک نمایند که حجاب برتر چادر است؟ نه اینکه چادر را برآنها تحمیل نمائیم به بهانه‌ای که مقام معظم رهبری اینگونه فرموده‌اند، آیا پاسخگویی به امر مقام معظم رهبری اجبار کردن دانشجویان به استفاده از چادر است.

در همین هنگام جمالزاده گفتند که در این بحثها ما نمی‌توانیم طرفش باشیم دکتر جاسبی ریاست محترم دانشگاه، معاونت فرهنگی و نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه هستند که آنها نشستند، تصمیم گرفته‌اند و ابلاغ کرده‌اند و ما اجراگر هستیم.

استاندار بوشهر در ادامه گفتند: اصلاً من در اینجا بخشنامه شفاهی می‌دهم و فردا مکتوب می‌کنم که هیچکس در استان بوشهر حق ندارد که چادر را الزامی کند (تشویق حضار) بعد هم همهٔ ما و همهٔ کسانی که به چادر به عنوان حجاب برتر معتقدند تمام تلاشها را باید انجام دهیم که در فرهنگ شورای عمومی آنچه در دستور کار ما باشد این باشد که راههای مثبت القاء حجاب برتر را پیدا کنیم، یعنی اینکه این بخشنامه جای خودش، اما من و تمام دست‌اندکاران فرهنگی استان همزمان کارمان در این باید باشد که بتوانیم در شورای فرهنگی عمومی استان راههایی را پیدا کنیم که شما خواهران محترم را به حجاب برتر دعوا کنیم، یعنی چادر، و این وظیفه ما است در جهت منویات مقام معظم رهبری.

به گزارش خبرنگار ما در پایان جلسه کروبی جانشین فرماندهٔ سپاه ناحیه بوشهر ضمن انتقاد شدید به استاندار در ارتباط با مسئله حجاب گفت: شما می‌خواهید با این مانتوهای چاکی، فردا واقعاً چادر را بردارید.خبرنگار ما می‌افزاید،وی خطاب به استاندار با صدای بلند فریاد زد: اصلاً چه کسی می‌خواهد جلوی مانتوهای غیرمتعارف را بگیرد، اینطوری می‌خواهید واقعاً جلوی ضد ارزشها را بگیرید، در همایش جلسات جوان اینگونه برای خوشامد جمع می‌خواهید صحبت کنید. ما نمی‌گذاریم، باید در جلسه ستاد احیاء و شورای فرهنگ عمومی و آموزش و پرورش و صد جلسهٔ شورای دیگر مطرح شود. اینطور که نمی‌شود بله مشخص است شما اینطوری می‌خواهید از جلسات و محافل استفاده بکنید من در دانشگاهها خودم رفته‌ام دیده‌ام دخترانی که دراینجا هستند ۸۰ تا ۹۰ درصد جوانان متدین و پایبند به چادر به عنوان نشان ملی و مذهبی ما هستند و همه‌شان شهید داده هستند (در این هنگام جو جلسه بهم خورد و عده‌ای از حاضرین در جلسه به مخالفت برخاستند و چند نفر نیز آقای کروبی را از سالن بیرون بردند)

پیروزی شیرین تیم ملی ایران بر انترمیلان

تیم ملی فوتبال ایران در دومین دیدار تدارکاتی خود شنبه شب به مصاف تیم انترمیلان رفت. در این دیدار جلال طالبی مربی جدید تیم ملی سیستم ۲ـ۵ـ۳ را جایگزین روش ۲ـ۴ـ۴ ایویچ کرد. تیم انترمیلان که درماه گذشته قهرمان جام یوفا شده بود تنها از دو بازیکن اصلی خود به نامهای زه‌الیاس برزیلی و نیکوبارا سود می‌جست. درنیمه اول با اینکه بازی تقریباً در دست ایران بود ولی در دقیقه ۳۹ بعلت تعلل خاکپور و جاگیری غلط نکیسا، نیکوبار با یک ضربه استادانه توپ را وارد دروازهٔ ایران کرد.

درنیمه دوم جلال طالبی مربی ایران که نمی‌خواست دچار سرنوشت ایویچ شود دست به انجام ۶ تعویض زد که درنتیجه در این نیمه تیم ملی ایران موفق شد چهار بار توسط مهدوی کیا ، علی دایی و کریم باقری دروازهٔ حریف را باز کند.

انتصاب سرپرست جدید تربیت بدنی دشتی

حیدر عبدالهی از طرف مدیرکل تربیت بدنی استان بوشهر به عنوان سرپرست اداره تربیت بدنی شهرستان دشتی تعیین گردیدند. این حکم در جلسه‌ای که به همین منظور در ساعت ۱ بعدازظهر روز یکشنبه مورخه ۷۷/۲/۲۷ در تربیت بدنی شهرستان دشتی برگزار گردید به نامبرده اعطاء شد.

آغاز مسابقات فوتبال کارگران بوشهر

مسابقات قهرمانی فوتبال قهرمانی کارگران شهرستانی بوشهر یادوارهٔ شهید استاد مطهری از روز دوشنبه هفته گذشته با شرکت ۱۲ تیم در مجموعه ورزشی کارگران بوشهر آغاز شد. در دیدار افتتاحیه این مسابقات تیمهای مرکز تحقیقات شیلات و کمیته امداد امام خمینی با یکدیگر رقابت کردند که در پایان یک ب یک به تساوی رسیدند.

خبرهای ورزشی

۳۴ مدال برای جانبازان قهرمان بوشهری

تیم دو میدانی جانبازان و معلولان استان مقابل پنجمی مسابقات قهرمانی کشور از آن خود کرد.

تیم دو میدانی جانبازان استان بوشهر که با ۲۰ نفر از جانبازان و معلولان ورزشکار در مسابقات انتخابی تیم ملی کشور در تهران شرکت داشتند موفق شدند ۱۳ مدال طلا ۱۰ نقره و ۱۱ برنز را از آن خود کنند.

در این دوره از مسابقات که با شرکت ۱۸ استان در مجموعه ورزشی شهید شیرودی تهران برگزار شد آقایان هوشنگ خسروانی، نادر زارعی، بهرام اکرامی، مهرداد کرم‌زاده، غلامحسین معلم، مسعود علیپور، ناصر هوشنگی، عباس خضری‌خواجه، محمد جوهری، عباس نجفی، محمدرضا زارعی، مهدی تابنده، محمود امیریان، حبیب‌ا... شاهی، محسن کوهگرد، امین دهدارباشی و ماشاءا... خدری موفق شدند در کلاسهای مختلف دوهای ۱۰۰ـ۲۰۰ـ۴۰۰ـ۱۵۰۰ متر، پرش طول، پرش سه گام، پرتاب دیسک، مقام اول تا سوم این مسابقات را کسب کنند.

دوچرخه سوار کنگانی تا مشهد رکاب زد

یک دوچرخه‌سوار به نام کمال کمالی از کنگان تا مشهد مقدس را رکاب زد این دوچرخه‌سوار کنگانی که از ۲۸ فروردین ماه ۷۷ به قصد زیارت مرقد مقدس امام رضا (ع) به مشهد مقدس سفر کرده بود در میان استقبال عده‌ای از ورزشکاران شهرستان کنگان وارد این شهر شد و از سوی مسئول هلال احمر مورد تشویق و تقدیر قرار گرفت و هدیه‌ای به ایشان اهداء گردید ضمناً ایشان زیر نظر مرکز پر ورش هلال احمر فعالیت داشته است.

رقابت‌های فوتبال در برازجان

در ادامه رقابتهای فوتبال جام حذفی باشگاههای شهرستان برازجان چند دیدار در ورزشگاه تختی برگزار شد در این دیدارها استقلال یک بر صفر کشاورز را شکست داد. پرسپولیس با نتیجهٔ ۷ بر ۱ از سد تیم عقاب گذشت. استقلال در بازی دوم خود با نتیجهٔ ۵ بر ۳ برق را حذف و تیم دخانیات نیز در دو بازی با نتیجهٔ دو بر صفر در مقابل تیم پاس و ۴ بر ۱ در برابر تیم تابان به پیروزی دست یافت.در آخرین دیدار هفته گذشته تیم پرسپولیس با ۳ گل تیم نیروی دریائی سپاه را حذف کرد.

خداداد عزیزی: شیوه ایویچ برای تیم ما مفید نبود

تنی چند از فوتبالیستهای تیم ملی ایران از تعویض تومسیلاوایویچ سرمربی قبلی تیم ملی اظهار رضایت کردند. حمید استیلی در اینباره گفت: به نظر من مربی ایرانی بهتر است وما می‌توانیم همدیگر را بهتر درک کنیم. مهرداد میناوند نیز گفت: فدراسیون فوتبال ایران اشتباه خود را زود فهمید و آن این بود که یک مربی نمی‌تواند در کوتاه مدت کاری انجام دهد مربی ایرانی روحیه بچه‌ها را بهتر می‌شناسد. در مجموع هدف ما خشنود ساختن مردم و خدمت به آنها است. وی در عین حال از ایویچ بخاطر زحماتی که کشیده بود تشکر کرد.

خداداد عزیزی نیز در این مورد گفت: ایویچ مربی خوبی بود اما شیوه او برای تیم مامفید نبود. این شیوه برای کشورهای عربی مفیداست. بچه‌های ما زیر نظر ایویچ نمی‌توانستند توانایی خود را بروز دهند چون شیوهٔ او بیش از حد دفاعی بود.اما شکی در این نیست که وی یکی از بزرگترین مربیان فوتبال جهان است.

برزیل زمان کمی در اختیار دارد

"ماریوزاگالو" سرمربی تیم ملی فوتبال برزیل اظهار داشت: تیم فوتبال برزیل همانند سالهای گذشته بهترین تیم دنیا است.

وی افزود: تیم برزیل برای آمادگی برای شرکت در رقابتهای فوتبال جام جهانی که در اروپا برگزار می‌شود زمان کمی در اختیار دارد.

زاگالو گفت: تیمهای آلمان، انگلیس، ایتالیا، فرانسه ونروژ حریفان سختی برای تیم برزیل خواهند بود.

آقای معاون عمرانی از شما انتظار نمی‌رود!

امضاء محفوظ

معمولاً رسم بر این است که مسئولین بومی هر منطقه بیشتر از سایر مسئولین غیربومی به فکر آبادانی و پیشرفت منطقه استان خود باشند، چراکه باید بخاطر تعصب خاکی و منطقه‌ای کار و تلاش بیشتری نمایند، البته گرچه در مواردی استثنا نیز به وجود می‌آید کما اینکه در زمان استانداری آقای صحرائیان که غیربومی بودند تلاشها و کارهای بسیار زیادتری را جهت آبادانی بوشهر دیدیم تا دوره استاندار بعدی که اتفاقاً بومی استان نیز بودند. اما معمولاً این موارد نادر است وانتظار این است که مسئولین بومی نسبت به استان دلسوزتر عمل نمایند و مصالح افراد منطقه را بیشتر در نظر داشته باشند.

اما متأسفانه در خصوص انتخاب شهرداران تاکنون این انتظار برآورده نشده است.

انتخاب شهرداران دراستانداری بوشهر و زیر نظر مدیر کل شهری و روستایی استانداری در پله‌ای بالاتر توسط معاون فنی و عمرانی استاندار صورت می‌گیرد و شهرداران توسط اینان انتخاب می‌گردند. جالب اینجا است که در حالیکه هر دو این عزیزان بومی استان هستند، اما انتخاب اینان برای شهرداری بزرگترین شهرهای استان یعنی بوشهر و برازجان، انتخاب افراد غیربومی بوده است. در زمان استاندار بومی قبل، معاون بومی عمرانی وی، یک مهندس جوان الکترونیک را بر مسند شهرداری بوشهر که کاری عمرانی است گمارد. در آن زمان گرچه بسیاری از مردم بوشهر از این انتخاب تعجب زده شدند و درگوشی نیز اعتراضاتی صورت گرفت اما پیش خود فکر کردیم که حتماً این شهردار جوان که بر شهر قدیمی بوشهر گمارده شده آدم فوق‌العاده و منحصر به فردی در امورات آبادانی و شهرداری است که توسط مسئولین بومی استان بر افراد بومی ترجیح داده شده و به شهرداری مرکز استان گمارده شده است. اما اکنون که مدتی از آن زمان می‌گذرد، شهردار محترم بوشهر را فردی معمولی می‌بینیم که اتفاقاً در بعضی از موارد از جمله ایجاد فضای سبز از بعضی از شهرداران قبلی نیز ضعیفتر عمل نموده است.

اکنون نیز خبر می‌رسد که توسط معاون محترم عمرانی استانداری، یک فرد غیربومی دیگر به عنوان شهردار دومین شهر بزرگ استان یعنی برازجان انتخاب گردیده است. در هفته قبل که خبر اعتراض جمعی از مجمع پیروان خط امام (ره) دشتستان را در زمینه این انتخاب در هفته‌نامه نسیم جنوب خواندم هم خوشحال و هم ناراحت شدم، خوشحال از بابت اینکه مردم بوشهر کم کم دارند نسبت به اوضاع واحوال منطقه خود حساس می‌شوند و ناراحت از اینکه چرا باید این انتصابات توسط مسئولین بومی صورت بگیرد. البته

ممکن است معاون بومی محترم عمرانی استاندار بفرمایند که برای پست شهرداری این دو شهر نیروی مستعد بومی یافت نشده است و ناچاراً از افراد غیربومی استفاده شده. این فرمایش البته که یک اما و یک تأسف دارد. اما از این بابت که وای به حال استانی که مسئولین آن از یافتن یک فرد بومی جهت شهرداری یک شهر معمولی عاجزند، خوشبختانه افراد استان بوشهر دارای استعدادها و توانایی های بسیاری هستند و علیرغم محرومیت شدید، بسیاری از آنان در سطح مدیریت کلان کشور نیز مشاهده شده‌اند، حالا چگونه ممکن است که در بین هزاران تحصیل‌کرده فنی، یک شهردار معمولی یافت نشود؟ البته اگر وظیفه شهردار، کاری است که الان آقایان شهردار می‌نمایند که به سادگی می‌توان افراد بومی زیادی را پیدا نمود که این وظیفه را خیلی بهتر هم می‌توانند انجام دهند، اما اینطور نباشد که برای انتخاب افراد بومی به سمت‌ها و پستهای مدیریتی، فیلترها و معیارهای بسیار حساس و جزئی گذاشته و شاخصهای علمی، تعهدی، تجربی، تخصصی و ... مشخص نمائیم اما برای انتخاب افراد غیربومی بسادگی این شاخصها به کناری انداخته شده وافراد معمولی غیربومی را بر پشت میزهای مدیریتی بنشانیم! اما در صورت نیافتن نیروهای بومی جهت تصدی پست شهرداری، یک افسوس نیز وجود دارد، افسوس به حال مدیریتی که علیرغم اینکه حدود ۵ سال بعنوان معاون عمرانی در این استان زحمت کشیده است، نتوانسته‌اند چند نفر از افراد بااستعداد و بادانش بومی استان را در حوزهٔ مدیریتی خود جمع نموده و آنان را برای سالهای آینده پرورش دهد. ۵ سال زمان کمی نیست و در این ۵ سال، مسئولین بومی استان به راحتی می‌توانستند ۵۰ نفر از افراد بومی را بطور طبیعی پرورش و جهت تصدی پستهای مهم استان آماده نمایند. افسوس که در زمان استانداری، استاندار بومی قبل، به پرورش نیروهای بومی جهت مدیریتهای آینده کم توجهی شد و اینطور که معلوم است، این کم توجهی مختص وی نبوده، بلکه معاونین وی نیز در این زمینه التفات کافی ننموده‌اند.

آقای استاندار، نیروهای بومی را فراموش نکنید.

ا-مرادی از بوشهر

از دیر باز مقوله مدیریت در استان بوشهر بصورت بالقوه در اذهان مردم محروم استان مورد بحث قرار گرفته است. یکی از دلایل عقب‌ماندگی و محرومیت استان از قافله توسعه و رشد همانا بی‌اهمیتی به تربیت نیروی انسانی کارآمد بومی است. استان بوشهر در طول تاریخ گذشته خود به غیر از یک مورد هیچ مدیر ارشدی را به خود ندیده است که با فرصت بیشتری نیروهای بومی خود را مورد ارزیابی قرار دهد. تجربه نشان داده است که نیروهای غیربومی تا کنون نتوانسته‌اند نیروهای بومی را آنچنان که استحقاق دارند مورد ارزیابی قرار داده و درنهایت بکارگیری نمایند. در نظام مدیریت کلان کشور، استان بوشهر هیچ سهمی را به خود اختصاص نداده است زیرا در استان از نیروهای کیفی بومی استفاده نشده است و زمینه رشد و شکوفایی نیروی بومی فراهم نگردیده است تا بتوانند در عرصه مدیریت ملی خودی نشان دهند. تا قبل از انتخاب ریاست جمهوری (دوم خرداد) مدیریت ارشد استان تنها درمحدوده نیروهای وزارت کشور در استان توانست تا حدودی از نیروی بومی استفاده کند ولی هیچ برنامه‌ریزی صحیح و منطقی در راستای بکارگیری مدیران لایق در رده‌های اول و دوم ادارات کل استان نداشته است و در نهایت رکود و خستگی بر روحیه مدیریتی استان حکمفرما شده بود. تا اینکه حماسه دوم خرداد باعث گردید زمینه‌ای در استان در جهت رشد نیروهای بومی فراهم شود و توقع مردم استان بوشهر کاملاً منطقی است که تغییر وتحولی اساسی در مدیریت استان شکل گیرد و دراین تغییرات نیروهای بومی سهم بسزایی داشته باشند (قصد بی‌احترامی به نیروها غیربومی نیست). اکنون که هفت ماه از عمر عملکرد مدیریت ارشد استان می‌گذرد متأسفانه هیچ توفیقی در روند بکارگیری نیروی لایق بومی استان نداشته واگر اندکی هم تغییر می‌بینیم بصورت جابجایی نیروها بوده و تقریباً همان روند سرازیر شدن نیروهای غیر بومی به استان شدت بیشتری به خودگرفته و با هجوم نیروهای غیربومی، عرصه بر نیروهای بومی تنگ شده است و این مهم از چشم تیزبین مردم استان دور نخواهد ماند و بطور قطعی باید گفت که یکی از دلایل عدم شناسایی نیروهای قوی و کارآمد در استان ناآشنا بودن مدیریت طراز اول استان از مجموعه نیروهای بومی در سطح استان است و نتیجه این ناآشنایی استفاده موردی از نیروهای ضعیف بومی که نه تنها افراد را ضایع می‌سازند بلکه به جامعه هم ضرر می‌رسانند و بعد از چندین سال تازه به این نتیجه می‌رسیم که هیچ پیشرفتی حاصل نشده است.

هم اکنون در سطح مدیریت استان بیش از ۷۵٪ از مدیران کل از نیروهای غیربومی تشکیل می‌شود و تنها کمتر از ۲۵٪ از نیروهای بومی استفاده شده که تقریباً نزدیک به ۲٪ بعد از حماسه دوم خرداد بکارگیری شده و این درصد ناچیز دربرابر ۵٪ استفاده از نیروهای غیر بومی در بعد انتخابات ریاست جمهوری در استان قابل تأمل است، که اگر این روند ادامه پیدا کند توقع مردم استان در بکارگیری نیروهای بومی چه می‌شود؟ جای بسی تأسف است که حتی حاضر نیستند شهردار برازجان و کنگان را هم از نیروهای بومی استفاده کنند (از ماست که بر ماست) و به نظر می‌آید رشد بی رویه استفاده از نیروهای غیربومی در استان، نتیجه عدم هماهنگی و همدلی بین نیروهای بومی است، که بخاطر اختلاف سلیقه زمینه رشد را برای نیروی خودی فراهم نمی‌سازد. تا کی ما باید تاوان این اختلاف سلیقه‌ها را بدهیم و منتظر فرصت دیگری بنشینیم. ضمن تشکر از جنای آقای استاندار محترم از محضر ایشان مصرانه درخواست می‌گردد که تربیت نیروی انسانی بومی را در استان جدی بگیرند و اجازه ندهند تعداد اندکی از دست اندکاران غیر بومی که مسئولیتی در این زمینه ندارند بخواهند از کنار مسئله مهم و حیاتی که آرزوی دیرینه مردم استان است بگذرند(بکارگیری نیروی بومی) و می‌بایست یک برنامه‌ریزی زیربنایی و اصولی در جهت ارتقاء سطح کیفی نیروهای بومی انجام پذیرد. دانشگاههای دولتی و غیر دولتی و مرکز مدیریت دولتی سالهای زیادی است که در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد نیروی بومی خوب تربیت نموده که استفاده بهینه از این نیروها قطعاً قسمت عمده‌ای از مشکلات را حل خواهد کرد. آقای استاندار به حرف افراد مغرضی که به بدنه نیروهای بومی می‌تازند و می‌گویند «در استان نیروهای قوی و کارآمد وجود ندارد» گوش فرا ندهید. استان بوشهر از لحاظ نیرو هیچ مشکلی ندارد و تنها برنامه‌ریزی درست و حساب شده می‌طلبد و بطور قطع آیندگان قضاوت خواهند کرد و خواهند گفت که مدیریت ارشد استان در بهبود و تربیت نیروی انسانی بومی چه توفیقی داشته است؟ اکنون با شناختی که از استاندار محترم وجود دارد امیدواریم که آینده‌ای درخشان برای استان خود پیش‌بینی کنیم بشرط اینکه به نیروهای بومی استان توجه بیشتری نمایند.

چرا رکود فعالیت سیاسی دانشجویان در دانشگاههای بوشهر!؟

در هفته نامه‌نسیم جنوب دائم شکوائیه‌هایی از رکود فعالیت سیاسی دانشجویان خصوصاً دانشگاه خلیج فارس بوشهر جلب نظر می‌کند. من این را می‌پذیرم و به شما به دلیل دغدغه‌تان درود می‌فرستم. لذا به عنوان فردی که از روزهای ابتدائی تأسیس این داشنگاه در مسایل و مشکلات مربوطه غوطه خورده، از نزدیک آنرا لمس نموده‌ام لازم می‌بینم مطالبی مختصر و پراکنده معروض بدارم:

الف ـ درست است که دانشگاه بایستی پیشرو باشد اما این پیشتازی نمی‌تواند جدای از فرهنگ عمومی جامعه بررسی شود. در استانی که از هر لحاظ به علت عدم ایجاد بستر مناسب با وجود غنای فرهنگی اکنون از فقر فرهنگی رنج می‌برد، قطعاً از دانشگاه آن انتظار معجزه نمی‌توان داشت.

ب ـ از شما عزیزان دست‌اندرکار که فقط سخن بر لب ندارید، درد هم در دل، عشق هم در جان، سرمایه در ذهن و ضمیر دارید و "راز بوشهر" را می‌گویید می‌خواهم که راز عدم "شکوفایی خلاقیتهای فرهنگی" را نیز باز نمائید.

ج ـ این را بدانید که (البته می‌دانم که می‌دانید) در این استان پاره‌ای از مدعیان که نه سرمایه فکری دارند و نه شاید ایمان را بی هیچ شایستگی، دکان معرفت‌نمایی گشوده‌اند و به هر ابزاری برای اعمال سلیقه‌های خود بهره می‌جویند: یا طرد می‌کنند یا انگ می‌زنند یا التقاطی فکر می‌نمایند یا ...

نباید رضایت داد پیامهای بلند در چنگ جمعی افراد کوتاه بین، مسخ و ضایع شود. هیچ کسی نمی‌تواند فقط خود را صاحب فرهنگ و اندیشه بداند و همگان را دعوت کند از مغازه کوچک اینها متاع عظیم فرهنگ را خریداری کند (دانشجویان تن به انگها دادند تا آنگونه که نظام و انقلاب و اسلام می‌خواهد باقی بمانند نه آنگونه که اینان می‌خواستند یا می‌خواهند.)

د ـ نمی‌خواهم دشمنی فرضی بسازم و تمام کوتاهیهای خود و دانشجویان را به آن منسوب بنمایم، بلکه می‌خواهم بگویم از یک طرف دانشجو انسان است و رهرو، لذا هر آن کسی که راه می‌رود و سکون و توقف را به فراموشی می‌سپارد همواره در معرض خطا و اشتباه قرار دارد و از طرفی اگر مبنا بر این شود که از بعضی فقط بدیها و از برخی فقط خوبیها بطور گزینش شده و یک جانبه ارائه گردد از این بابت جز زیان و رکود چیزی نخواهیم دید و سودی نخواهیم برد. (که راجع به هر کدام از این دو مورد نسبت به دانشجویان بی‌حرمتی روا شد)

هـ ـ اکنون که انجمن اسلامی دانشجویان پس از توقفی نسبتاً طولانی دوباره فعالیت خود را آغاز نموده است انتظار می‌رود این نسیم که به همراه "نسیم جنوب" وزیدن گرفته است طراوت وشادابی بیش از پیش را برای این مرز و بوم فراهم آورد. البته از همهٔ شما که هم دردمندید و هم دردشناس مصرانه می‌خواهم که نیروی فکری خود را صرف سؤالات بیهوده و بی‌حاصل ننمائید و در مقام بیان دلیر باشید چرا که هم شناختن حق شجاعت می‌خواهد و هم اظهار آن. البته جراحتی را که بر ضمیرتان نشسته یا خواهدنشست همواره‌تازه نگه داریدکه‌این حسن بزرگان است.

«غ .ز ـ دانشجوی دانشگاه خلیج فارس»

لزوم برخورد نظرات

غلامرضا رفیعی

از متن بعضی از مطالب چاپ شده در نسیم جنوب که به عنوان مخالفت با رویه این نشریه برای آن ارسال شده است چنین استنباط می‌شود که وجود افکار و آراء مختلف در جامعه مانع یکپارچگی و وحدت می‌شود، حال آنکه همه آزاد اندیشان می‌دانند که در کنار برخورد آراء و نظریات است که فکر سازندگی و بالندگی می‌یابد و تمیز حق و باطل میسر می‌گردد.

برخورد آرایی که در زیر چتر قانون انجام می‌گیرد و کسانی که با استفاده از حقوق قانونی سخنان خود را عنوان می‌کنند بسیار سازنده و مفید حال جامعه می‌باشد و نباید سعی کرد با عناوین مختلف در سرکوب آنان اقدام نمود.

جای بسیار تعجب است که عده‌ای در مقالات ارسالی خود مطالبی را عنوان می‌کنند که پایه علمی و عملی ندارد و جالب این است که مکاتب گوناگونی که در این مقاله‌ها،نسیم جنوب به ناحق به آنها منتسب می‌گردد، احتیاج به تفسیرهای گوناگون دارند و جالبتر از آن اینکه چگونه می‌شود مکاتبی که همواره با هم در ستیز بوده‌اند و کشاکش بین آنها در طول تاریخ باعث جنگها و کشتارهای طولانی به روی کره زمین شده است اینک بناگاه در این نشریه تازه انتشار یافته بدور از چشم همه علماء و مفسران این مکاتب با هم یک جا جمع شوند که برادران عزیزمان به ناگاه این موضوع را کشف کرده‌اند.

دور از چشم سردبیر

گلایه‌های یک طلبه

انالله و انااليه راجعون

محمدباقر دشتی ـ طلبه

تا کنون که ده شماره از نسیم جنوب را به مطالعه دقیق پرداخته‌ام صراحتاً بایستی عرض کنم هیچگونه مطالب عمده علمی، فرهنگی و مذهبی در آن نیافتم، مثلاً در بعد فرهنگی، نشریه مذکور فقط و فقط پیرامون احیای موسیقی محلی (نی‌انبان) که به تعبیر کوته فکران مظلوم مانده و آن را تنهاترین سنت حسنه در بوشهر می‌دانند به بحث نشسته و چهره‌های معلوم‌الحالی که قبل از نقلاب و بعد از انقلاب آنها را نزد افراد بصیر مشخص است بعنوان شخصیتهای فرهنگی مطرح می‌شوند. در بعد سیاسی هم که همیشه میدان تاخت و تاز احزاب و جناحها است. اما گلایه‌های این حقیر را به عنوان یک طلبه که درد دین دارم ودلسوز انقلاب و نظام اسلامیمان هستم بشنوید ضمناً بعنوان برادری کوچک از تمام بزرگان و سروران روحانی و علما توصیه می‌کنم در مقابل این همه حملاتی که علیه مسائل دین و بعضاً مقدسات دینی ما می‌شود احساس مسئولیت بیشتری از خود بروز دهند چراکه ما مدعی هستیم که سربازان امام عصر (عج) و نگهبانان ثغور و مرزهای دین هستیم . تقیه دیگر جایز نیست چراکه آقا اباعبدالله نیز قیام فرمودند و امر به معروف کردند. علمای ما در قرون گذشته مثل مرحوم میرزای شیرازی علیه (تنباکو) علامه حلی (ردّ بر کتب ضّاله) و در عصر حاضر امام راحل (ره) علیه "سلمان رشدی" پس با این اوصاف حجت بر ما تمام است. و اما گلایه‌های این حقیر اولاً من می‌خواهم بدانم پیامد این جامعه‌ای را که مدنیش می‌نامند و می‌خوانند چه بوده، مگر ریاست جمهور محترم نفرمودند این جامعه ریشه در مدینةالنبی دارد پس چگونه است که در قالب مدنیت، آزادیهای متعدد بعضاً غیرمشروع در حال ترویج است. ثانیاً آیا روشنفکری یا تنویر افکار به این معنا است که ما از مسائل و مقدسات دینی و مذهبی اصیلی که از ائمه اطهار و علما دین به ما رسیده بطورکلی عدول کنیم و بعضاً به بعضی از مبانی اعتقادی شیعه، صرف آزادی عقیده اهانت کنیم یا بعضی از روایات را به ذائقهٔ خودمان تأویل ببریم انسان یا خواب است که با تنبه بیدار می‌شود. گاهی انسان خود را به خواب می‌زند مشکل اینجا است که ما خود را به خواب زده‌ایم.

ثالثاً پیرامون حلیّت و حرمت یک چیز هیچکس جز علما و مراجع عظام نمی‌تواند نظر و فتوا دهند و این نظر و فتوا را بایست یا انسان خود از مجتهد بشنود یا دو نفر عادل وثقه این خبر را برسانند شما ای برادر که حکم حلیّت امثال نی‌انبان را به امام راحل انتساب می‌دهید کی امام و در کجا چنین بیانی داشته‌اند چرا روح امام را آزرده می‌کنید و علمای دین را تخطئه می‌کنید هشدار!

رابعاً: اما پیرامون ارتباط دو جنس مخالف در یک مجموعه آن هم در محدوده اسلامی است مثل محیط دانشگاه یعنی جنبه مباحثه‌ای باشد نه جنبه معاشقه‌ای والا این ارتباط در کشورهای غربی که از من و شما مدنی‌تر هستند به وفور مشاهده می‌شود کشورهای غربی اکنون د رحال سقوط هستند از لحاظ فرهنگی. "ایهاالناس فاین تذهبون" اگر بناباشد بنام آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی اندیشه و عقیده ریشه مبانی اسلام را به منظور رفع ابهامات و گاهاً معاندگونه ومغرضانه بخشکانیم که آمریکا و صهیونیست از ما گوی و سبقت را ربوده‌اند. و امام راحل نیز که سالها در نجف اشرف برای تدارک این انقلاب برای اساس دین مبین اسلام طرح و برنامه ریخته بودند خدای ناکرده زحمتی بیجا کشیدند. چرا ما بوشهریها برای عدم الحاق بندر عسلویه به شیراز از جلسات و همایشهای متعدد با مسئولین شهر گرفتیم ولی برای جلوگیری از مخدوش کردن اصل ولایت فقیه که توسط بعضی از مغرضان و ساده‌لوحان انجام می‌شود همایش نمی‌گذاریم.

شما لیک می‌دانید غنای فرهنگی را هیچگاه یک شبه نمی‌توان باپول میلیونی استاندار وامثال ایشان بوجود آورد مگر سنتهای دیگری در بوشهر وجود نداشت که عرضه کنیم. این را بدانیم که بوشهریها اگر فقر فرهنگی را هم احیاناً دارند با چند نشریه‌ای که اذهان را متشنج می‌کند فرهنگشان پویا نمی‌شود فرهنگ بوشهری را عالم دینی و مجتهد بنا کرده و قالب‌سازی کرده و بر همین مبنا هم پیش می‌رود چراکه از آن رئیسعلی‌های با غیرت بیرون آمدند و به عنوان حسن ختام اینکه اگر جامعه مدنی پیام و پیامدش را این گونه بایستی درک کرد پس ای علمای اسلام و علی‌الاسلام،السلام

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور

مدیرمسئول و سردبیر: یونس قیصی‌زاده

مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنچاری

مدیر فنی: حسین ابوالحسنی

چاپ و لیتوگرافی:چاپخانه علوی بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید حیدری ـ تلفن ۲۷۷۹۷

آدرس: بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید قیصی‌زاده، دفتر هفته‌نامه نسیم جنوب ـ تلفن : ۳۵۸۲۰

صندوق پستی:۱۱۹۹